

معنای اعتكاف:

اعتكاف از "عَكَفَ" به معنی چسبیدن و ملازم شدن جهت خدمت و تعظیم و اعظام، خضوع و خشوع انسان و اکرام و احترام به چیزی یا کسی بزرگتر و بهتر و بالاتر از خود است و التزام دو چیز مماثل و چسبیدن بزرگتر به کوچک تر اعتكاف نیست چون انسان عاشق کمال و زیبایی‌هایی است که در خودش نیست و اگر در کسی یا چیزی ببیند عاشق او می‌شود خصوصاً چیزی که نمی‌توان از صاحب کمال گرفت و فقط می‌شود از کنار او بودن لذت برد لذا تمایل دارند در خدمت معشوق باشند و به این وسیله به او تقرب جستند و احترام و تعظیم کنند و با او عکس و فیلم بگیرند و در کنار او باشند و با زندگی در کنار او لذت ببرند و هیچ‌گاه او را تنها نگذارند^۲

در اعتكاف توجه به معبود نهفته است چنانچه انصراف از غیر لازمه آن است که به آن معكوف می‌گویند (وَالْهُدَىٰ مَعْكُوفًا^۳) چنانچه لسان العرب اقبل علیه مواظبا یصرف عنه وجه آمده است چنانچه در معنی کلمه زیارت «مال عن غیره و مال الیه» آمده است گرچه از آداب ورود به مسجد آن است که به قصد ماندن وارد شود و هنگام خروج به قصد رجوع برود چنانچه اهل سنت در آداب ورود آورده اند هر لحظه وارد شدید قصد اعتكاف کنید و گرچه نمایند و شاید این اعتكاف لغتی باشد نه اصطلاحی.

در اصطلاح: عكوف به معنای اقامت و پایداری بر حضور در مسجد است؛ «و انتم عاکفون فی المساجد» و به چنین شخصی عاکف و معتكف می‌گویند: اعتكاف اصطلاحاً به معنای همنشینی مخصوص با احکام و شرایط خاص است.

۱. اعتكاف در لغت: لسان العرب، ج ۹، ص: ۲۵۵: عَكَفَ عَلَى الشَّيْءِ يَعْكُفُ وَيَعْكُفُ عَكَفًا وَعُكُوفًا: أَقْبَلَ عَلَيْهِ مُوَاطِبًا لَا يَصْرِفُ عَنْهُ وَجْهَهُ،

وَالِاعْتِكَافُ: الْإِخْتِيَابُ وَعَكُفُوا حَوْلَ الشَّيْءِ: اسْتَدَارُوا. وَ قَوْمٌ عُكُوفٌ مُقِيمُونَ. وَ عَكَفَهُ عَنْ حَاجَتِهِ يَعْكُفُهُ وَيَعْكُفُهُ عَكَفًا: صَرَفَهُ وَ حَبَسَهُ

المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، ج ۲، ص: ۴۲۴: عَكَفَ: عَلَى الشَّيْءِ (عُكُوفًا) وَ (عَكَفًا) مِنْ بَابِي، قَعَدَ وَ صَرَبَ لَأَزْمَهُ وَ وَاطَبَهُ وَ فَرَىٰ بِهِمَا فِي السَّبْعَةِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَىٰ «يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامِ لَهُمْ» وَ (عَكَفْتُ) الشَّيْءَ (أَعْكُفُهُ) وَ (أَعْكُفُهُ) حَبَسْتُهُ وَ مِنْهُ (الِاعْتِكَافُ) وَ هُوَ افْتِعَالٌ لِأَنَّهُ حَبَسَ النَّفْسَ عَنِ النَّصْرِفَاتِ الْعَادِيَّةِ وَ (عَكَفْتُهُ) عَنْ حَاجَتِهِ مَنَعْتُهُ.

مجمع البحرين، ج ۵، ص: ۱۰۳: من "عَكُفُوا عَلَى الشَّيْءِ": اسْتَدَارُوا عَلَيْهِ. قَوْلُهُ وَ الْهُدَىٰ مَعْكُوفًا. [۲۵ / ۴۸] أَي مَحْبُوسًا. يُقَالُ عَكَفَهُ يَعْكُفُهُ عَكَفًا: حَبَسَهُ. وَ مِنْهُ "الِاعْتِكَافُ" وَ هُوَ افْتِعَالٌ مِنَ الْعَكَفِ، وَ هُوَ الْحَبْسُ وَ اللَّبْثُ، وَ قَدْ عَرَفَ لُغَةَ بِاللَّبْثِ الْمُنْتَاطِلِ. وَ اصْطِلَاحًا بِاللَّبْثِ فِي مَسْجِدٍ جَامِعٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَصَاعِدًا لِلْعِبَادَةِ.

کتاب العين، ج ۱، ص: ۲۰۵: عَكَفَ يَعْكُفُ وَيَعْكُفُ عَكَفًا وَعُكُوفًا وَ هُوَ إِقْبَالُكَ عَلَى الشَّيْءِ لَا تَصْرِفُ عَنْهُ وَجْهَكَ

قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۲۹: عَكَفَ: عَكَفَ بِمَعْنَى مَلَازِمَتِهِ بِأَعْظِيمِهِ اسْتَدَارَ عَلَيْهِ: «الْعُكُوفُ الْإِقْبَالُ عَلَى الشَّيْءِ وَ مَلَازِمَتُهُ عَلَى سَبِيلِ التَّعْظِيمِ لَهُ»

۲. (آتشکده فارس بعنوان معبد که بیش از هزار سال می‌افروخت و همیشه ملازمانی داشته حتی بت‌ها هم ملازم داشته و دارند. وَ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ -الأعراف: ۱۳۸)

قرارگرفتن کمترین در کنار بزرگترین بعنوان کوچکی کردن نه بزرگ شدن، بزرگ دانستن با اجازه بزرگ و تحت اشراف و خواسته او نه خواسته من، اعتکاف یعنی مسجد رفتن برای ماندن و تنها نگذاشتن معبد و معبود چنانچه در ادیان و مذاهب دیگر این ایده است که معبد از عابد خالی نباشد و مسجد الحرام همواره طائف و عاکف دارد و هیچگاه نمی‌توان مانع حضور شد. چنانچه در حدیث من اختلف الی المسجد اختلاف به معنای جایگزین یکدیگر شدن در مسجد است نه رفت و آمد لذا مستحب است در مسجد همیشه کسی باشد و هرگاه کسی آمد او از مسجد بیرون برود و به تعبیر دیگر بماند تا شخص دیگری بیاید.

اعتکاف نگهبانی و محافظت نیست بلکه خدمت و ستایش گری است

اعتکاف یعنی خود را از قیود آزاد کردن و قید بندگی به گردن آویختن

اعتکاف تمرینی برای حضور در مسجد است. تمرین نشستن در مسجد.

اعتکاف انتظار برای برآورده شدن حوائج است.

اعتکاف یعنی تمرین صبر و بندگی.

اعتکاف عبادتی است برای همه اعضاء بدن نه فقط زبان و چشم و گوش. اعتکاف ترکیبی از عبادات است. مجموعه ای از اطاعت و عبادت است

اعتکاف وقوفی است کوتاه برای حرکتی مداوم و با علاقه، سکویی برای پرش، راهی برای چگونگی عبادت کردن و پیدا کردن بهترین عبادت ها، گزینه ای برای حضور بهتر در مسجد، حکمت در عبادت، بهترین اردوی تربیتی، زندگی در خانه اصلی (بیت)، چشیدن زندگی با امام، زندگی زن و مرد بدون شهوت، در یک خیمه در مسجد برای یافتن همسر، همراه و همفکر بدون شهوت و با انگیزه مودت و رحمت و الفت (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ)^۴ نه جدا شدن و اعتکاف زنان جدا از مردان. اعتکاف خانوادگی لذیذترین اعتکاف و زندگی بدون شهوت ولی با انگیزه و کمک به یکدیگر (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى)

سه روز اوج و عروج و معراج، انبار گردانی روحی، مستقیم و نزدیک کردن راه آینده، خارج شدن از زندگی روز مره و وارد شدن به روزگاری خوش

اعتکاف همان درنگ طولانی در مسجد بعنوان عبادت است و جز از مکلف مسلمان، پذیرفته نمی‌شود (شرائع الاسلام)

۴ . بقره، ۱۸۷

۵ . مائده، ۲

چون خدای متعال منزّه از جسم و ملازمت جسمانی با او ناممکن است مسجد بعنوان کالبد معنویت و خانه خداست و محل زیارت او و جایی که دوست دارد در آنجا پرستیده شود، برای اعتکاف و عشق ورزی قرار داده شده است، و ادب و احترام اقتضا می کند مساجد - خصوصاً مساجد جامع - همیشه یک یا چند نفر عاکف داشته باشند لذاست که اعتکاف اختصاص به ایام خاصی ندارد.

چون در مسجد حتی مجسمه یا عکس معبود نیست مثل بعضی معابد و نه آنچه استشمام معبود می شود مثل طلا و نقره اعتکاف برای تعظیم مسجد و تکریم و توقیر آن است که ملعون ملعون من لم یوقر المسجد و انما امرنا بتعظیم المساجد چنانچه مسجد از شعائر و اعتکاف بعنوان تعظیم شعائر است (و من يعظم شعائر الله)

با توجه به اینکه مرقد انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام در حکم و ملحق به مسجد است ولی اعتکاف در آن مطرح نشده است چون اعتکاف در حرم های شریفه شبهاتی را ایجاد می کند که هم اکنون وهابی ها برای اصل زیارت مطرح می کنند لذا همه اتفاق دارند که در حرم ها اعتکاف جایز نیست

بعضی خواسته اند عبادت را به ماندن در مسجد اضافه کنند یعنی حضور در مسجد برای عبادت؟ در جواب به آنها گفته می شود: وقتی گفته می شود اعتکاف عملی ندارد چگونه ممکن است کلمه عبادت را اضافه کنیم ولی اگر بگوییم ماندن در مسجد عبادت است معنی درست می شود. اعتکاف هیچگونه قول و عملی ندارد فقط قصد اطاعت و بندگی دارد نه ضرر زدن و عبث و اینگونه اعتکاف که هیچ عملی و قولی ندارد هزاران معنی دارد چون ماندن در مسجد اگر مقدمه برای کاری باشد حضور در مسجد کم ارزش می شود اعتکاف مکث در مسجد است هیچگونه عبادت و ذکر و نماز و دعایی اضافه نشده است مثل روزه که فقط امساک است و هیچگونه عملی ندارد مهم فراغت است (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ^۱) مهم ایجاد و تحصیل فراغت در اعتکاف است نه عبادت مرسوم، فراغت آزاداندیشی و رغبت ایجاد می کند و عبادت زیاد گاهی انسان را کسل و بی انگیزه می کند. فکر کند چه عبادتی انجام دهد یا چگونه عبادت کند چنانچه بعضی عبادتها در زمانها و شرایطی، مطلوبیتی ندارند؛ با اینکه مسجد مرکز نماز واجب و ذکر و دعا است و فکر و ذکر را می توانیم داشته باشیم.

غرض استفاده از فضای ملکوتی مسجد است لذا بعضی فقها مثل آیت الله فاضل لنکرانی تصریح کرده اند غیر از توقف مسجد در نیت اعتکاف قید دیگری مثل به قصد عبادت لازم نیست کتاب صوم تفصیل الشریعه صفحه ۳۴ - المقنعه صفحه ۳۶۲: ملازم بودن با مسجد را تعریف اعتکاف می دانند و قصد عبادت را ندارد

از آیه عهدنا الی ابراهیم فهمیده می شود مسجد برای اعتکاف نیاز به تطهیر فرهنگی دارد تا اعتکاف بدون بدعت و تحریف برگزار شود و اگر مسجد تطهیر نشود قهراً اعتکاف آلوده به خرافات خواهد شد. تطهیر ظاهری را همه می توانند انجام دهند، تطهیر فرهنگی تعهد و رسالت و افرادی مثل حضرت ابراهیم علیه السلام می خواهد

۱. شرح ۷،

حتی تطهیر و غبار رویی مسجد و تعمیر و تجهیز آن که بهترین عمل و فرصت برای معتکفین است الزامی ندارد چه رسد به اینکه او را مکلف به دعا و قرآن کنیم

در آیه شریفه و عهدنا الی ابراهیم، عاکفین را از رکوع و سجود که جزء نماز و نماز بهترین عبادت است جدا ذکر کرده تا توجه دهد به عبادت بودن اعتکاف و الا نیت در غیر عبادت شرط نیست تا فقط حضور در مسجد در ذهن مردم اصالت بگیرد و مسجد رفتن مقدمه برای اعمال دیگر نشود (حضور در مسجد شرط نیست بلکه اصل است) چنانچه نماز از آداب مسجد است نه اینکه از آداب نماز اقامه آن در مسجد باشد مرحوم شهید می فرماید: هر نمازی تحیت مسجد است (کل صلاة تحیه) و گرچه واجب باشد و بعضی از بزرگان قید عبادت را بدان جهت آورده اند که توقف غیر عبادی را خارج کنند یعنی هر توفقی در مسجد اعتکاف نیست چنانچه در مسجد النبی ص نوشته اند هرگاه وارد شدی قصد اعتکاف کن و گرچه برای چند لحظه.

ماندن چند لحظه در مسجد عبادت است ولی اعتکاف نیست لذا اعتکاف وقوف در مسجد است با احکام و شرایط خاص

حضور در مسجد دو نوع است:

۱- تکرار رفت و آمد روزانه

۲- ماندن و توقف (اعتکاف)

از آنجا که مسجد «وضع للناس^۷» و برای مردم است و «بیت کل مومن^۸» و خانه مومن است حضور و ماندن طولانی در مسجد بعنوان خانه معشوق مطلوب است و چون اسلام دین اعتدال است و زندگی و معیشت هم ارزش دارد آمد و رفت سفارش شده است و تعبیر اولهم دخولا و آخرهم خروجا اندازه ماندن را معلوم نکرده بلکه نسبت را مطرح کرده حاکی از آن است که افراد و زمانها و شرایط متفاوت است. نه اعراض از مسجد و سه روز نرفتن مطلوب است و نه رهبانیت و زندگی را رها کردن و در مسجد ماندن لذا اعتکاف و ماندن هم اندازه ای دارد نه کمتر از سه روز و نه چهله نشینی. اهل مسجد بودن و دلبستگی به مسجد (رَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ^۹) ملاک است

هدف آن است که بهترین فرصت را در مسجد و خدمت مسجد باشیم نه فرصت های سوخته و خسته و در حال اضطراب و گرسنه و خواب آلود بدین جهت توقف در مسجد محبوب و فضیلت دارد توقف برای تعمیر و تجهیز مسجد باشد یا منتظر نماز باشد یا منتظر اذان باشد یا منتظر فرج و چه منتظر حضور دیگران همانند مغازه دارانی که هر روز مغازه را باز می کنند و منتظر مشتری هستند در حالی که می دانند بعضی ایام خریداری ندارند مثل فرش فروشی در بعد عید نوروز و از وظائف و شرایط امام و خادم فرهنگی است که منتظر آمدن مردمند تا با مشاوره آنها را از تحیر و گرفتاری نجات دهند

^۷ . آل عمران، ۹۶

^۸ . کنز العمال ج ۷ / ص ۶۵۰

^۹ . خصال، ج ۲، ص ۳۴۳

نقش حضور در مسجد به طور موقت و روزانه و حضور دائم مثل اعتکاف به دلیل آنکه:

جدا شدن از محیط های ناسالم انسان را هوشیار و زمینه هوشیاری و تنبه است، حضور در فضای پاک مثل مسجد و دوام آن آن زمینه ها را تبدیل به هدایت می کند حضور در جمع خوبان نقش موثری در پیدایش همفکر و همراه و همکار و همدلی می کند که ریشه مشکلات حقوقی را می خشکاند و در پیشگیری از جرم کارآمدترین است

نتیجه:

۱. گرچه توقف در مسجد ثواب دارد ولی اعتکاف احکام خاص خودش را دارد

۲. از افتخارات ابراهیم و اسماعیل خدمت به مسجد و اهل مسجد بوده است.

۳. در ساخت مسجد ابراهیم نقش اصلی را دارد و اسماعیل همکار اوست و با فاصله آمده است (وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ

إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^{۱۰}) ولی در طهارت و خدمت ابراهیم و اسماعیل با هم نقش دارند و با هم ذکر شده

است (وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ^{۱۱})

۴. معتکف، خادم و اهل مسجد آمادگی برای پذیرایی از مهمانان خدا را دارند بدون آنکه خود را برتر بدانند. (سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَ

الْبَادِ)^{۱۲}

۵. معتکف در خدمت به مسجد و زائران خانه خدا، عمران و آباد کردن مساحد، غبارروبی، نظافت و طهارت حق تقدم دارد.

بیمارستان روحی و روانی

بسیاری از مرض های جسمی انسان به روح و روان او برمی گردد که صدها تخصص دارد و همچنان رو به گسترش است و اسلام برای

درمان تمام مرض های روحی و روانی، مسجد را بعنوان درمانگاه و بیمارستان معرفی کرده است

بیمارستانی است برای همه مرض های روحی و انواع بیماری ها و ویروس های مسری مثل نفاق و تکبر و غیر مسری مثل بخل و انواع

آزمایشگاه ها و سونوگرافی ها و اندوسکوپی ها و ام آر آی و رادیولوژی همه و همه در یک فضای ساده تعبیه شده و مسجد جلوی مرض هایی

را می گیرد که تاریخ و جامعه مبتلا می شود نه شهر و روستا (گاهی هزاران نفر کشته می شوند حاکم ظالم می شوند)

افزون براین، مسجد برای پیشگیری از امراض نیز نقش عمده ای دارد چنانچه در پیشگیری از جرم نقش فزاینده ای نیز دارد

۱۰- بقره/۱۲۷

۱۱- بقره/۱۲۵

۱۲- حج: ۲۵

مسجد با داروهای مرئی و نامرئی بدون درد و رنج و هزینه و بدون نیاز به بیهوشی، به همه انسان‌ها سازش داشته و عوارض منفی ندارد.

وقتی مرض‌ها مثل طاعون و وبا شایع شد به مسجد پناه ببرید تا در امان باشید: اذا انزلت العاهات و الافات عوفی اهل المساجد^{۱۳}

در بلاهای آسمانی مثل زلزله و طوفان تاثیر گذار است در خسوف و کسوف و زلزله و طوفان خود را به مسجد برسانید؛ (ففرؤا الی

مساجدکم)^{۱۴}. در حوادث مترقبه و غیر مترقبه به مساجد پناه ببرید

نگاه به مسجد انسان را واکسینه می کند. کدام آزمایشگاه را سراغ دارید که فشار دین، قند دیانت، چربی غیرت را قبل از اینکه به دیگران

نشان دهند، به خود مریض نشان می دهد

بیمارستانی که پذیرش آن فقط دوستی سلامت است؛ (فیه رجال یحبون ان یطهروا)

مریض وارد و سالم خارج می شود، سر به زیر می آید و سرفراز می رود.

بیمارستان، مرگ دارد و مسجد هر چه هم بدحال باشی، مرگ و ناامیدی ندارد.

سفارشی نیست (سواء فیه العاکف والباد)^{۱۵}

در بیمارستان هم تختی‌ها بدتر از تو و در مسجد بهتر از تو هستند.

در بحران‌های اخلاقی و اجتماعی مسجد کم بدیل بلکه بی بدیل است^{۱۶}

تاریخ و پیشینه اعتکاف:

^{۱۳} - مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۶

و زوی أنه إذا وقع الطاعون في أهل مسجد فليس لهم أن يفروا منه إلى غيره - بحار الأنوار ج ۶ ص ۱۲۲

^{۱۴} - روي عن زيد بن علي بن الحسين عليه السلام أنه قال سألت أبي سيد العابدين ع فقلت له يا أبا عبد الله عن جدنا رسول الله ص لما عرج به إلى السماء - ... و معنى قوله عز و جل ففروا إلى الله يعني حجوا إلى بيت الله يا بني إن الكعبة بيت الله فمن حج بيت الله فقد قصد إلى الله و المساجد بيوت الله فمن سعى إليها فقد سعى إلى الله و قصد إليه و المصلي ما دام في صلاته - فهو واقف بين يدي الله عز و جل فإن لله تبارك و تعالى بقاعا في سماواته فمن عرج به إلى بقعة منها فقد عرج به إليه ألا تسمع الله عز و جل يقول تعرج الملائكة و الرُوح إليه. الوافي ؛ ج ۷ ص ۶۸

^{۱۵} - سورة حج، آیه ۲۵

^{۱۶} - عن أبي عبد الله أنه قال إن أحدكم إذا مرض دعا الطبيب و أعطاه و إذا كانت له حاجة رشا البواب و أعطاه و لو أن أحدكم إذا فدحه أمر فرغ إلى الله تعالى و تطهر و تصدق بصدقته قلت أو كثرت فدخل المسجد فصلّى ركعتين فحمد الله و أتى عليه و صلى على النبي و أهل بيته ثم قال اللهم إن عافيتني ممّا أخاف من كذا و كذا إلا آتاه الله ذلك و هو اليمين الواجبة و ما جعل الله عليه في الشكر - بحار الأنوار ج ۸۸ ص ۳۵۸

و زوي عن الصادق عليه السلام أنه قال: ما يمنع أحدكم إذا دخل عليه عم من غموم الدنيا أن يتوضأ فيدخل المسجد فيركع ركعتين يدعو الله فيهما أما ما سمعت الله يقول و استعينوا بالصبر و الصلاة

۱. حداقل اعتکاف عدد چهل است، چهل مرتبه، چهل روز، چهل هفته، چهل ماه و چهل سال بوده و احکام آن ریاضتی بوده است که به سه روز کاهش یافته^{۱۷}
۲. اعتکاف اختصاص به اسلام ندارد، بلکه در ادیان آسمانی و غیر آسمانی وجود داشت (يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ^{۱۸} - فَتَنَّا لَهُا عَاكِفِينَ^{۱۹})
۳. اعتکاف مخصوص خواص (پیامبران و کاهنان و صاحب منصبان) بوده و دیگران محروم از اعتکاف بودند و اسلام آن را در اختیار همه افراد قرار داد (سواء العاكف فيه و الباد)
۴. اعتکاف را از بیابان و کوه و دشت و غار به مرکز شهر و مسجد جامع آورد شده است (أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ فِي الْمَسْجِدِ الْجَامِعِ)^{۲۰}
۵. از فردی و انزوا و تنهایی و گوشه گیری به جمع و گروه تبدیل کرد
۶. دشواری و سختی و اعمال شاق به آسانی تبدیل شده است به گونه ای که اعتکاف هیچ گونه عملی نداشته باشد جز نیت و قوف. برداشتن عبادت های سخت و ریاضت ها و شکنجه ها در اعتکاف از الطاف اعتکاف در اسلام است
۷. از زمان و ایامی خاص به هر زمانی تبدیل شده است
۸. از افرادی خاص به عبادت همگانی فراگیر شده است حتی زنان و کودکان ممیز می توانند از فیض اعتکاف بهره ببرند.
۹. از شرایط ویژه به روزه گرفتن بسنده شده است
۱۰. از اختصاص داشتن به مردان به زنان سرایت کرده به گونه ای که زنان هم با مردان بهره مند اند پیامبر ﷺ همراه همسران معتکف می شدند.^{۲۱}

اعتکاف در ادیان

اعتکاف در حقیقت نحوه ای عزلت گزینی و گوشه گیری از اجتماع و زندگی و اشتغال است که انسان را به مرتبه ای از معنویت و روحانیت می رساند. حتی ادیان غیر آسمانی نمونه هایی از این عزلت گزینی یافت می شود. هر چند نتوان برای اعتکاف آنگونه که در اسلام مطرح است، پیدا کرد.

۱۷. ، پیامبر ﷺ چهل روز در غار حرا و حضرت موسی چهل شب به کوه طور رفت؛ ولی اسلام آن را به سه روز کاهش داد تا معتکف نه آن قدر زیاد بماند که ابهت مسجد در چشم او کاسته شود و نه آن قدر کم بماند که عظمت مسجد را درک نکند نه مثل رهبانان تارک دنیا شوند نه تارک آخرت شوند

۱۸ - اعراف/ ۱۳۸

۱۹ - شعرا/ ۷۱

۲۰ . الکافی ج ۴ ص ۱۷۶

۲۱. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۲۴۷۸.

عزالت گزینی برای بنیانگذاران و رهبران ادیان ضرورت دارد و آنها غالباً چنین دورانی را پشت سر گذاشته‌اند. همانند موسی علیه السلام ، عیسی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنیانگذاران ادیان نیز دارای چنین دوران‌هایی در زندگی خویش بوده‌اند (اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ^{۲۲}) و معمولاً بعد از چهل سالگی و گذراندن دوران خودسازی چه با گوسفندان و چه در غار حراء و امثالهم^{۲۳}.

انواعی از عزالت گزینی در میان جوامع مختلف به عنوان شعائر دینی اجباری نیز دیده می‌شود. در بعضی قبایل برای اینکه کودک به دوران بلوغ برسد و بتواند وظایف دینی یک انسان بالغ را بر عهده گیرد، دورانی از عزالت از جامعه به همراه اعمال خاص دینی مشاهده می‌شود. در این دوران کودک از مادر جدا می‌شود و تحت نظارت افرادی خاص وادار به روزه گرفتن، کف نفس و رعایت احکام دینی قبیله می‌شوند و بعضی سختی‌ها را پشت سر می‌گذارند. تلقی آنها از این دوران این است که کودک به طور کلی تغییر هویت می‌دهد.

بعضی قبایل در کانادا کودکان و نوجوانان خود را به عزالتی می‌فرستند تا با روحی خاص ارتباط برقرار کنند، روحی که تا پایان عمر با آنها باقی می‌ماند و از آنها حمایت می‌کند. آنها کودکان و نوجوانان را در مکانی دور افتاد می‌فرستند و آنقدر به آنها گرسنگی می‌دهند تا ضعیف شده و دچار توهمات شوند. اولین صورتی که به ذهن آنها بیاید روحی است که با آن ارتباط برقرار کرده‌اند. چنانچه بعضی از ارتش‌های دنیا برای آموزش خصوصاً فرماندهان اعمال شاقی را تحمیل می‌کنند تا فرماندهان آمادگی هر گونه سخت زیستی را داشته باشند

اعتکاف انبیا:

بیشتر انبیاء برای تقرب به خداوند علاوه بر عبادات واجب، مستحبات نفس‌گیری داشته‌اند مثل هر روزه و هر روز روزه بودن و هر شب ایستادن تا صبح به نماز (وَصَامَ دَهْرَةً وَقَامَ لَيْلَةً^{۲۴}) در بین اصحاب پیامبر و حواریون دیده می‌شود.

۲۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۹، ص: ۱۰۴- دعای ندبه

۲۳- زرتشت قبل از سی سالگی که در آن به کشف و شهود نائل آمد و فرشته بر او نازل گردید و مقرب درگاه اهورا مزدا شد. به مدت بیست سال در بیابان‌ها ریاضت می‌کشید و هفت سال از آن را در کنج غاری به خاموشی مطلق گذرانده است.

بودا برای اینکه نجات یابد از خوشی‌های زندگی پادشاهی دست کشیده و به مدت شش سال به عزالت و ریاضت گریاید و سرانجام در مراقبه‌ای عمیق در زیر درخت بودگیا به خواسته خود دست یافت. مهاویره رهبر آئین چین نیز به مدت دوازده سال به عزالت و ریاضت روی آورد و سپس به تعلیم مردم پرداخت. نانگ رهبر آئین سیک که برای نفی بت‌پرستی در میان هندوان و توجه به حق واحد ازلی قدمی را سخ برداشت، همواره به گوشه‌نشینی می‌پرداخت تا اینکه بعد از یک انقلاب روحی به مدت سه روز در جنگ به طور کلی ناپدید شد و بعد از آن به نشر بشارتی پرداخت که خود را ملهم به آن می‌دانست. لائوزه رهبر آئین راند نیز برای نیل به کمالات روحانی از کارهای دولتی و حتی مردم عزالت‌گزید و از شهر به جنگل رفت. کنفوسیوس نیز انگاه که نیاز روحانیش اقتضا دانست قبل از رسیدن به سی سالگی به مدت سه سال در عزالت به سر برد. و از این جهت بود که خود می‌گوید که در سی سالگی روی پای خود محکم ایستاده بود.

رهبران دیگر ادیان نیز برای نیل به مقام معلمی بر خود لازم دانسته مدتی را عزالت به اعمال خاص و تفکر مشغول باشند در آئین هندو هر انسان چهار مرحله از زندگی را داراست که عبارتند از تعلم، خانواده‌داری، عزالت و آوارگی همچون یک فرد مقدس در مرحله سوم یعنی عزالت شخص به درون جنگل رفته و با مراقبه و تفکر عمیق و همچنین ریاضت‌کشی به بلوغ معنوی دست می‌یابد. چنین شخصی صلاحیت می‌یافته مردم را رهبری کند. راهبان بودایی که به طور کلی زندگی رهبانی دارد و سرگردانند و به آن سو حرکت می‌کنند، به مدت سه ماه در جای خاصی سکونت کرده به مراقبه و اعمال خاصی مشغول می‌شوند که برای آنها نحوه‌ای عزالت و دوری از مردم محسوب می‌شود. شمن‌ها که در زندگی دینی بسیاری از ادیان شرقی نقش عمده‌ای دارند واسطه بین عالم زندگانی و مردگان هستند، بعد از دوره‌ای از عزالت و طی ریاضت‌های سخت تحت رهبری استادان خود به مقام نائل می‌شوند.

۲۴. دعائم الإسلام، ج ۱، ص: ۵۳

حضرت سلیمان اعتکاف را دوست داشته و اعتکاف های او گاهی یک سال طول می کشید با اینکه سلیمان دارای حکومتی بود که بعد از او کسی نداشته (قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي^{۲۵}) و داشتن حکومتی فراگیر و گسترده با اعتکاف سالیانه چگونه جمع می شود مگر اینکه بگوییم حکومت در آن زمان ها مثل امروز نبود و هر کاری مسئولی داشته و نیاز به وجود و حضور حضرت نداشته یا اینکه حکومت مردم را وابسته به خود نمی کرده و مردم مشغول امور خود بوده و سلیمان نظارت داشته یا اینکه حکومت را مثل پیامبر ﷺ از مسجد اداره می کرده در مسجد حکم را از خدا گرفته و وحی نازل می شده و در مسجد ابلاغ می شده است و شاید حضور حضرت سلیمان در مسجد برای مشکل گشایی بوده یعنی خود را در مسجد متوقف می کرده تا مردم به او مراجعه کنند و نیازی به دفتر نباشد

اعتکاف حضرت موسی: گرچه رفتن چهل شب (فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً^{۲۶}) به کوه طور به اسم اعتکاف نیامده ولی غیر از اعتکاف هم نبوده است و از آثار اعتکاف گرفتن حاجات و دادن شرافت و بعثت است مثل چهل روز ماندن پیامبر ﷺ در غار حرا و آمدن بعثت. اعتکاف اصحاب کهف: در قرآن به عنوان یک پدیده نادر با آثار گرانبها مطرح شده است

اهداف اعتکاف:

۱. چون مسجد کارکردهای متفاوت دارد آشنایی با مسجد و بهره مند شدن از برکات و فضایل متنوع آن نیاز به ماندن همراه با تفکر و تدبیر دارد.
۲. وقتی مسجد از شعائر باشد و تعظیم شعائر از سر چشمه تقوی (فانها من تقوی القلوب) و ما مامور به تعظیم مسجدیم (انما امرنا بتعظیم المساجد) قهرا با رونق نگهداشتن و عمران مسجد که با اعتکاف ایجاد می شود جزء شعائر الهی خواهد بود
۳. خالی نبودن معبد از عابد. در همه ادیان پسندیده است و عموم معابد ادیان الهی همیشه ملازم و مرافق دارند چنانچه مسجد الحرام هیچگاه از طائف و زائر خالی نبوده و نباید باشد^{۲۷}
۴. اعتکاف نیاز انسان است نه نیاز معبود چون خداوند نیازی ندارد گاهی ما در شرایطی هستیم که استفاده از برکات و فضائل اعتکاف لارمه آن است
۵. بعضی از آثار و فضائل مسجد با ورود و خروج لحظه ای امکان پذیر نیست و نیاز به وقت گذاشتن و ایجاد فرصت دارد مثل میکروب زدایی و ضد عفونی که علاوه بر دارو نیاز به استمرار دارد.
۶. از جمله وظایف ما خدمت و پذیرایی و استقبال و بدرقه زائران مسجد است که اعتکاف مقدمه آن است
۷. نظارت عالم بر عابد اگر نباشد عابد منحرف می شود و پیامبران همراه اعتکاف چنین افتخار و نقشی را داشته اند

۲۵ - ص/ ۳۵

۲۶ - اعراف/ ۱۴۲

۲۷ . چنانچه سازمان اوقاف در امامزاده ها ملازم گذاشته نه بعنوان حفاظت بلکه بعنوان قداست

۸. خودسازی و جدیت و استقامت برای رسیدن به کمالات و دسترسی به فضائل اخلاقی است

۹. تعظیم و احترام معتکف به معبود و تقرب به او نه تقاضا؛ چون بعضی برای برآورده شدن حاجت اعتکاف را انتخاب می کنند.

۱۰. ابراز عبودیت و محبت و عشق ورزی و کامروائی از معبود و دعوت شدن به مهمانی در خانه او

۱۱. رفاقت با مردم در مسجد. رفیق را در مسجد جستجو کردن و با او بودن از ثمرات مسجد است (مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ

إِحْدَى الثَّمَانِ أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ^{۲۸})

برای موفقیت انسان نیاز به کمک و همراه و همفکر دارد چنانچه پیامبران الهی، وصی و خلیفه داشتند و علامت رفیق خوب، صداقت و طهارت و نداشتن مکر و حيله است که مسجد فیه رجال یحبون ان یتطهروا است و تجربه نشان داده رفیق مسجدی از رفیق مدرسه و بازار و همسایه و هم کلاس و هم شهری بهتر است چون تا قیامت همراه انسان است (شفاعت می کند و شفاعت می شود) خصوصاً اگر دوست و رفیق بهتر از خود انسان باشد لذا مسجد به عنوان مکان پاک و فضای پاک و محیط سالم بهترین ابزار است تا انسان اول با خود رفیق شود و بعد با خانه و صاحب خانه با خدا رفیق شود و بعد رفیقان خدایی پیدا کند که (اِخَا مُسْتَفَادَا فِي اللَّهِ) از آثار مسجد است رفاقت (خدا) سلامت و تسلیم انسان را تضمین میکند رفاقت با خانه خدا جایگاه انسان را معرفی می کنند و رفاقت با اهل مسجد دلگرمی و استقامت انسان را بالا میبرد حال اگر این حضور ادامه داشته باشد قهراً آثار بهتری خواهد داشت لذا در اعتکاف فقط حضور شرط است و هیچ گونه اعمال و ذکر واجب ندارد تا فرصت خوبی برای پیدا کردن و همنشینی با خوبان داشته باشد و الا فقط حضور در مسجد بدون هیچ گونه اعمال لغو و بیهوده است

مسجد محل رفیق یابی و ارزیابی رفیق های گذشته و حال است (یا لیتنی لم یتخذ فلانا خلیلاً) بعضی دوست ها نمی خواهند

همدیگر را ببینند

از کارکردها و ارزش های مسجد «اِخَا مُسْتَفَادَا فِي اللَّهِ» می باشد داشتن و لازم بودن رفیق که بهترین نعمت در دنیا و آخرت است (وَ

حَسُنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا^{۲۹})

در اعتکاف که به نحوی تک زیستی است اسلام آن را پسندیده و پیامبر ﷺ خانوادگی اعتکاف داشتند و قرآن هم می فرماید: (وَ لَا

تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ^{۳۰}) وجود همسران را در مسجد لحاظ کرده چه رسد به رفقای همجنس و حضور در جمع و مسجد

جامع دستور معاشرت و همزیستی را به انسان می دهد که در حال اعتکاف ضمن مراقبت از خود مراقبت دیگران باشیم و همانند دو دست

همدیگر را بشوئیم و آداب معاشرت را مباحثه و همدیگر را در این چند روز لمس کنیم چون هم غذا شدن و هم خواب شدن و هم فکر

۲۸. وسائل الشیعة ج ۵ ص ۱۹۷

۲۹- نساء/ ۶۹

۳۰- بقره/ ۱۸۷

شدن با رفاقت های لحظه ای امکان پذیر نیست، تا بتوانیم جامعه ای بهتر و برتر بسازیم و از تک روی و تک فکری و دیکتاتوری دور بمانیم و علاوه بر همزیستی در خدمت دیگران باشیم که بالاتر از خود از بابت تعظیم و چه پایین تر از خود از باب اکرام و معتکفین در ادیان قبلی خادمان افتخاری و در خدمت زائران بوده اند در گزارش های معتکفین بیش از هر ارزشی نمودار داشت که معتکفین اظهار می کردند که دوستان خوبی پیدا کردیم و چه دوستانی را آنچه می دیدیم بهتری یافتیم و اینکه در شناسایی دوستان سفارش شده که در سفر دوست شناخته می شود اعتکاف بهتر از هر سفری دوستان را معرفی می کرد

۱۲. حضور در صحنه

در بعضی از کشورهای اسلامی به جای کلمه مسجد از کلمه جامع استفاده می کنند تا جمع بودن در مسجد به فراموشی سپرده نشود چنانچه شخص پیامبر با همسران خود معتکف می شده است با اینکه بودن با همسر در مسجد هنوز هم برای بعضی نامفهوم و نامربوط است

آنقدر اسلام به جامعه و اجتماع اهتمام قائل است که علاوه بر اینکه اعتکاف را از انزوا و کوه و غار و تنهایی به مسجد جامع آورده خارج نشدن از مسجد آنقدر مهم است که در احکام اعتکاف آمده غذائی نخورد که زیاد نیاز به سرویس بهداشتی پیدا کند ولی خروج از اعتکاف را برای شهادت و عیادت مریض و یا تشییع جنازه و برطرف کردن حاجت مومن اجازه داده است و امام حسن علیه السلام در حال اعتکاف برای حل مشکل مردم از مسجد خارج شد لذا خروج از مسجد ضرورت باشد کافی است عرفی باشد یا شرعی واجب باشد یا مستحب دنیوی باشد یا اخروی

اسلام دین جمع است و از تک زیستی اجباری (زنداد و سلول) و تک روی انتخابی را نمی پسندد نمونه آن اعتکاف است با این که در همه ادیان و مذاهب جدا شدن از جمع و جامعه است در اسلام اعتکاف را از کوه و غار به مسجد جامع و در جمع دیگران طراحی کرده و علاوه بر آن اجازه داده که در ضرورت های اجتماعی از مسجد خارج شود نه ضرورت های فردی با این که طبیعتاً باید واجب باشد مثل شهادت و اداء دین و امانت ولی ضرورت هایی که چندان واجب هم نیستند اجازه داده اند مثل تشییع جنازه عیادت مریض در حالی که این گونه امور واجب نبوده است علاوه بر آن اعتکاف طولانی نیست که زمان عیادت مریض تمام شود با گذشت سه روز تمام میشود و چهل روز نیست که مهم باشد. پشت کردن به مسائل اجتماعی حتی در اعتکاف مذمت شده است و الا در مثل نماز جماعت چیزی اضافه بر نماز فرادا ندارد ولی ارزش آنرا حدیث لوح و قلم بیان کرده است و حج که بالاتر از اعتکاف است میلیونی است با اینکه هزینه کار گروهی مثل حج قابل مقایسه با فرد نیست حتی سفارش شده لباس همه یکی و حتی در راه رفتن افیضوا من حیث افاض الناس مطرح شده به مسلمانان در حج متحد و یک مناسک دارند و کسی حق جدا شدن و جدا بودن ندارد

۱۳. اعتکاف در مسجد برای شناسائی نیازمندیهای جامعه و نیازمندان اجتماع یعنی فرصت گذاشتن برای ورود محتاجان و شنیدن و برطرف کردن مشکلات آنان در مسجد است وقتی برآوردن حاجت مومن در خارج مسجد از اصل اعتکاف بهتر است برطرف کردن مشکلات مردم و مشکلات مسجد و اهل مسجد و معتکفین در مسجد و اعتکاف چه ارزشی خواهد داشت؟

۱۴. اعتکاف در مسجد قرنطینه و محیطی برای پاک شدن و پاک کردن روح و روان انسان آزمایشگاهی برای شناخت امراض روحی و مداوای آن.

۱۵. اعتکاف و سیاستگذاری: به دلیل دل پاک فضای پاک، دوستان پاک، نظارت عالمان

۱۶. اتاق عملی است که سرطان های صعب العلاج روحی و فکری در آن جراحی و مداوا می شود همانند مریضی که وارد بیمارستان شده و سالم خارج می شود و کمتر دیده شده کسی از اعتکاف خسته یا پشیمان شده باشد.

۱۷. مسجد بیمارستان همه بیماری ها و نقاهت ها است انسان آلوده به نسیان و فراموشی و خطا وارد می شود و مسجد محل ذکر است که چند روز آنجا بماند تا کاملاً هوشیار و متذکر شود

۱۸. انسان مختار است لذا نیازمند به تصمیم گیر ندارد و مدیریت را نمی پذیرد (لا تکن عبد غیرک لقد جعلک الله حراً) و اسلام انسان را مختار و تصمیم گیر می داند، کسی که می خواهد تصمیم بگیرد نیازمند به همراه و همفکر و محیط سالم و فرصتی که بتواند تصمیم های بزرگ بگیرد مسجد و اعتکاف بهترین فرصت و بهترین فراغت است. چون هر محیطی در تصمیم گیری اثر دارد اگر فضای نظامی یا فضای یا تفریحی و ورزشی باشد تاثیر گذار است اما وقتی فضای الهی و پاک و همنشینان بهترین باشند قهراً تصمیم ها سرنوشت ساز خواهد بود

۱۹. دوری از دوستان بد و کارهای زشت و ناپسند (من اعتکف غفرالله له) و نزدیک شدن به هر خیری و خیری (فقلبتم و قربتکم) از آثار اعتکاف است.

۲۰. آشنایی با تمام دین نه بعض دین (تُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَ نَكْفُرُ بِبَعْضٍ^{۳۱}) و مسجد آینه تمام نمای دین است

۲۱. نقش اعتکاف در دوری از افراط و تفریط که چه مشکلاتی را در ادیان و مذاهب بوجود آورده است

۲۲. رسیدن به کمالات و امتیازات اعتکاف برای پشت سر گذاشتن درجات (بَعْدَ أَنْ شَرَطَتْ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيَّةِ^{۳۲})

۲۳. اعتکاف ترکیبی است از حج و صیام و حضور در مسجد و آثار آن هم ترکیبی است لذا محرمات احرام ترک می شود و احکام روزه هم جاری است.

آثار اعتکاف

۳۱- نساء/ ۱۵۰

۳۲- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۹، ص: ۱۰۴- دعای ندبه

۱. شناخت و انس و الفت و عشق و ورزی با مسجد پاک و بدون بدعت و خرافات.

۲. استفاده از همه ابعاد و حالات و زمان های مسجد (دینداری نه دیندانی).

۳. تمرین حضور مستمر در مسجد تمرین حضور قبل نماز و بعد نماز.

۴. تقرب به خدا

۵. ثواب حج و عمره^{۳۳}

۶. بخشش گناهان.^{۳۴} چنانچه بعض گناهان لازمه اش وجود دیگران است مثل غیبت بعضی گناهان لازمه اش تنهایی بودن است

قال رسول الله ﷺ إن الشيطان ذنب الانسان كذئب الغنم يأخذ الشاة القاصية والناحية ، فايكم بالجماعة والعامه والمسجد. كثر
العمال ۵۸۱۷هـ

۷. دوری از گناه یکی از آسیب های اجتماعی آلودگی است اسلام از طرفی انسان را اجتماعی و جزئی از جامعه و استفاده هرچه بیشتر

از جامعه دستور می دهد و بهترین ارزش انسان را خدمت به جامعه می داند و از تک زیستی و انزوا سرزنش می کند و گاهی انسان

آنقدر اجتماعی می شود که خود را غرق می کند و هیچگونه راه نجاتی ندارد و نیاز به جدایی دارد و اعتکاف چنین نقشی دارد نه در

تنهایی و کوه و غار بلکه در متن جامعه و مسجد جامع که محل تجمع و رفت و آمد اقشار و اصناف جامعه است چون بعضی

گناهان و آفت ها است که انسان در تنهایی صورت می گیرد مثل ترس وحشت و خود ارضایی و وسوسه لذا اعتکاف هم جدا شدن

است و هم در جمع بودن دو متضاد را در خود جمع کرده است. (دوری از مظان گناه و گناهکاران)

۸. در اعتکاف نوازش و کرنش و فدا شدن عابد مطرح است و معتکفین در ادیان دیگر اعمال سخت انجام می دهند (کشتن فرزندان

ابراهیم اسماعیل را - و فدیناه بذبح عظیم) و امثال آن که در اسلام سفارش نشده و بدون آن اعمال آثار خودش را دارد.

۹. خدمت و پذیرایی و استقبال و بدرقه زائران است که افتخار انبیا بوده و هیچ پذیرایی بهتر از هدایت و ارشاد و نظارت عالم بر عابد

نیست.

۱۰. پیامبران خادم معتکفین اند.

خداوند از ابراهیم و اسماعیل تعهد گرفته (وَ عَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ^{۳۵}) ولی

خود آن دو بزرگوار جزء معتکفین قرار داده نشده بلکه خادم معتکفین هستند. عاکفین مهمانان اند نه میزبان درحالیکه بهترین کار معتکف

غبارروبی و نظافت و طهارت است

۳۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۲۰۸۶: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اغْتِكُافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يُغْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ».

۳۴. كُنز العمال ج ۸ ص ۸۶۴ ح ۲۴۰۰۷: «مَنْ اعْتَكَفَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا عَفَّرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ».

۳۵- بقره/ ۱۲۵

۱۱. با هر گونه امتیاز دادن یا امتیاز گرفتن مخالفت شده که (سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ^{۳۶}) لذا اسلام اعتکاف را پذیرفته و با پیرایه های آن مخالفت کرده است.

۱۲. گاهاً انسان خلافی می کند و برای جبران آن بدنبال مستمسکی است که بتواند آثار خلاف را از خود دور کند، معمولاً یا خود را با طناب به ستون (ابولبابه^{۳۷}) و یا دخیل خانه او می شود تا آثار گناه از او دور شود که غیر از مسجد ملجأ و پناهی پیدا نمی کند.

مراقبات قبل از اعتکاف

۱. به قصد خدمت به مسجد و اهل آن تصمیم به اعتکاف بگیریم و نه برای گرفتن حاجت دنیایی یا به قصد بهره‌وری از مسجد.
۲. خود را از نظر روحی آماده کنیم و بدانیم به سفری سرنوشت‌ساز می‌رویم. (سفری بدون خطر بدون هزینه از عمیق ترین نقطه درون تا عالی ترین آرزوها)
۳. مشغله‌های زندگی را کنار بگذاریم نه در اعتکاف ب فکر مشغله باشیم
۴. دیون و بدهی‌های خود را پردازیم
۵. وسایل مورد نیاز نظیر قرآن مجید، مفاتیح الجنان، پتو، بالش، کاغذ، خودکار، کتاب و لوازم شخصی را آماده کنیم.^{۳۸}
۶. به نیابت دیگران یا آنها را در ثواب اعتکاف خود شریک کنیم (بهترین هدیه‌ها اعتکاف است)

مراقبات هنگام اعتکاف

۱. اهل فکر و ذکر باشیم و لحظه ای غافل نشویم
۲. توجه به مسجد و صاحب مسجد و اهل مسجد داشته باشیم
۳. فراگیری و مراعات آداب و احکام مسجد.
۴. استفاده از معنویت مسجد و تمرین حضور در آن.
۵. نظافت و پاکیزه نگاه داشتن مسجد.^{۳۹}
۶. دائم الوضو بودن.
۷. انس و الفت با مسجد و اهل آن
۸. سکوت و کم سخن گفتن و عدم ایجاد مزاحمت برای دیگران حتی با بلند خواندن نماز و قرآن و دعا.^{۴۰}

۳۶ - حج/ ۲۵

۳۷. الوافی؛ ج ۱۴؛ ص ۱۳۸۲

۳۸. از آوردن وسایل سرگرم کننده یا وسایلی که باعث آزار دیگران می شود، پرهیزیم.

۳۹. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۶، ح ۳۸۴۶: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: «أَنَّ الْجَنَّةَ وَالْحَوْزَ لَتَشْتَاتِي إِلَى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسْجِدَ أَوْ يَأْخُذُ مِنْهُ الْقَدَى».

۹. بررسی نقاط مثبت و منفی گذشته زندگی و تفکر مثبت و سازنده
۱۰. مشورت با مؤمنان و به ویژه عالمان دینی.
۱۱. پرهیز از جدال و بحث‌های بی‌فایده و شوخی زیاد.
۱۲. کم‌خوردن و کم‌خوابیدن و کم‌جایجا شدن
۱۳. تصمیم‌گیری برای مسائل سرنوشت‌ساز.
۱۴. بررسی نیازمندی‌های مسجد با و تأمین آنها.

مراقبات بعد از اعتکاف

۱. تصمیم بر حضور بیشتر و بهتر در مسجد.
۲. پایبندی به عهد و پیمان‌های اعتکاف.
۳. حفظ ارتباط خود با روحانی مسجد.
۴. پی‌گیری تصمیم‌های اتخاذ شده در اعتکاف.
۵. حفظ و نگهداری دوستان ایام اعتکاف.

خادمان معتکفین:

۱. چون اعتکاف در حکم زیارت است و کمک به زائر فضیلت‌هایی دارد لذا کسانی که وسائل آسایش معتکفین را آماده می‌کنند شریک معتکفین هستند. چون معتکفین نباید از مسجد خارج شوند از همان قبل از اسلام عده‌ای افتخار خدمت به معتکفین را داشته‌اند^{۴۱} و تمام مایحتاج آنان را تأمین می‌کرده‌اند تا معتکفین آسوده خاطر باشند و بحمدالله خدمت‌رسانی مردمی به معتکفین در اکثر شهرها رواج پیدا کرده است.
۲. نورپردازی مناسب و غبارروبی و تأمین و تجهیز مسجد و نیازهای معتکفین
۳. تلاش در حفظ آرامش محیط.
۴. حاکم کردن جو تفکر و سکوت.
۵. پرهیز از اجرای برنامه‌های طولانی برای عموم معتکفان.

۴۰. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۹۹: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا إِنَّ كَلِمَةَ مُنَاجٍ رَبِّهِ فَلَا يُؤَدِّينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ».

۴۱. سوره آل عمران، آیه ۳۷: (فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أُنَبِّئُهَا نَبَأًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا) و سوره بقره، آیه ۱۲۵: (وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ

۶. استفاده حداقلی از بلندگو.
۷. برهم‌زدن تفکر و سکوت کسانی که نمی‌خواهند در مراسم عمومی شرکت کنند.
۸. آگاه‌سازی غیر محسوس معتکفان از احکام اعتکاف به وسیله تابلو، بروشور و کتاب.
۹. نظم و انضباط در استقبال و پذیرش معتکفان و پذیرایی از آنان.
۱۰. برآورده سازی نیازهای ضروری معتکفان.
۱۱. بهتر است در تمام ایام سال مسجد معتکف داشته باشد و ازدحام برای اعتکاف در ایامی خاص و محدود و خالی گذاشتن مسجد از معتکف در سایر ایام سال، مخالف شأن مسجد و محتوای اعتکاف است.
۱۲. شایسته است مسئولان مملکتی نیز به تاسی از رسول خدا ﷺ در ماه مبارک رمضان به اعتکاف مشرف شوند و یا حمایت کنند.
۱۳. بعضی از خیرین آگاه که توفیق اعتکاف را ندارند، می‌توانند کسی یا کسانی را وکیل یا نائب یا اجیر کنند تا به جای آنان معتکف شوند.
۱۴. همراه بودن زن و فرزند برای آشنایی با مسجد و بهرمندی از مسجد (اعتکاف) بی‌اشکال و لذت و تاثیر بیشتری دارد.
۱۵. اعتکاف برای تعظیم مسجد است و نباید باعث توهین و تحقیر مسجد شود.

اعتکاف بهترین الگوی مسجد شناسی

آشنایی با مسجد آشنایی با تمام دین (احکام، اخلاق، عقاید) است و دیندار کردن مردم است نه دین دان کردن مردم مسجد بهترین مرکز و مکان برای انتخاب دوست و همفکر و همراه؛ و جامعیت مسجد به معنای سازماندهی تجمعات و برنامه‌های دینی است چون محور دوستی‌ها مقدس و پایدار خدا است.

بهترین مکان برای آغاز و استمرار قیام‌ها و بعثت‌های سیاسی و مذهبی از حضرت آدم عليه السلام تا خاتم الانبیاء عليه السلام و خاتم الاوصیاء عليه السلام

مسجد سالم‌ترین مکان عمومی و جلوه‌گر شدن تساوی بین انسان‌های فقیر و غنی، کوچک و بزرگ با یک چشم نگاه می‌شوند و ملاک برتری فقط تقواست.

مرکزی برای حل مشکلات فردی و اجتماعی مردم است.

مکانی برای برطرف شدن ناراحتی‌ها و اندوه‌ها.

مکانی برای تفریح و تفرج و سیاحت و سرور و آرامش.

بهترین خلوتگاه برای تخلیه نخاله های روحی و تفکر و تصمیم گیری.

بهترین مکان برای زدوده شدن ناراحتی ها و آلام.

بهترین مکان برای درمان مشکلات روانی.

مکان نمایش وحدت، اتحاد و افتدار مسلمانان.

مکانی برای سازمان دهی نیروهای مردمی برای مقابله با تهاجم فرهنگی و دفاع از کشور

احکام اعتکاف:

زمان اعتکاف: اعتکاف در تمام سال جایز است، به جز ایامی که اعتکاف با عید فطر و قربان مصادف می شود و روزه گرفتن در آن که شرط اعتکاف است، جایز نیست. و استحباب و فضیلت احواء شب عید فطر و قربان مقید به مسجد است لذا شب عید فطر و قربان مسجد خالی از مردم نیست نتیجه مسجد هر شب و تمام سال می تواند ملازم داشته باشد حتی شب عید

واجبات:

اگر بداند غذای خاصی بخورد نیاز به سرویس بهداشتی بیش از معمول و خارج از ضرورت است خوردن آن بی اشکال نیست.

اگر در مدت اعتکاف بدلائلی نماز نخواند یا نمازش باطل باشد ضروری به اعتکاف نمی زند چون اعتکاف شرط عملی ندارد نه واجب نه مستحب.

حضور دائم در مسجد نه غیر مسجد

طهارت از جنابت و حیض

به شرط روزه

در یک مسجد باشد با توجه به اینکه مساجد یکی و مشترک المنافع هستند

مسلمان بودن: علت عدم قبولی غیر مسلمان عدم جواز حضور در مسجد است

به دلیل واجبات و محرمات اعتکاف بعضی بلوغ را شرط و بعضی شرط نمی دانند و ممیز را کافی می دانند

اگر مسجدی خالی از مردم باشد و توهین به مسجد محسوب شود، اعتکاف واجب می شود

محرمات:

محرمات روزه

محرمات احرام

محرمات مسجد

خروج در روز سوم

زناشویی حتی در شب

خرید و فروش

ویژگی های احکام اعتکاف

سه روز ماندن در حسینیه و نمازخانه و امثالهم اعتکاف محسوب نمی شود و احکام اعتکاف را ندارد
حرم ائمه معصومین با اینکه احکام مسجد را دارد ولی اعتکاف در آن جایز نیست.

اجازه شوهر و والدین و ماجر که همه جاش شرط است نه فقط در اعتکاف شاید به دلیل روز سوم باشد که واجب میشود
خروج از روی علم و جهل که می فرمایند اگر طول بکشد اعتکاف را باطل می کند در جای دیگر مطرح نیست
اگر ضرورت خروج از مسجد طول بکشد اعتکاف باطل است چه عمدا و چه سهوا مهم سهوا بودنش است

هرچند مستحب است اما در مورد تخلف کفاره دارد

اعتکاف از روزه فراتر است چون مبطلات روزه در شب مانع ندارد ولی در اعتکاف در شب هم مشکل است

اگر کسی نذر کرده که در ماه رمضان معتکف شود و آمیزش انجام دهد سه کفاره دارد کفاره روزه ماه رمضان و کفاره اعتکاف و کفاره

حنث نذر است

اعتکاف از لواحق احکام مسجد است و در کتب فقهی به صورت مستقل آمده است

زیر آفتاب راه رفتن، نشستن و زیر سایه رفتن از ویژگی های احکام اعتکاف است
مباشرت زنان در شب و حال آنکه در ماه رمضان در روز است.

مباشرت مطرح است نه اعتزال. فقال ابو عبد الله اما اعتزال النساء فلا کافی جلد ۴ صفحه ۱۷۵
اگرچه خرید و فروش حرام است ولی باطل کننده اعتکاف یا بیع نیست.

استشمام بوی خوش از محرّمات است، اعتکاف واجب باشد یا مستحب
اگر اجباراً خارج شود اعتکاف باطل می شود ولی اگر سهواً خارج شود اعتکاف باطل نمی شود
محرّمات اعتکاف شب و روز ندارد

با اینکه اعتکاف مستحب است ولی مشتمل بر واجبات و ترک محرّمات است:

- ۱- مراعات واجبات و محرّمات روزه
- ۲- مراعات واجبات و محرّمات مسجد
- ۳- روز سوم واجب است اتمام

انواع اعتکاف :

۱. مستحب
۲. واجب (با نذر - با قسم - اجرت)
۳. باطل (جنب و حائض و کسانی که باید اجازه بگیرند و نگرفتند مثل زن شوهر دار و اجیر)
۴. قبل و بعد عید. اگر بدانند در ایام اعتکاف به عید می خورد نمی تواند معتکف شود

وصیت و نیابت در اعتکاف

- ✓ برای خود یا کسانی که آنها را در ثواب شریک کرده یا اهدا کرده یک نفر یا چند نفر مرده یا زنده
- ✓ نیابت یا وصیت از مردگان. يك یا چند نفر (مرحوم) مگر اینکه اجیر برای یک نفر باشد
- ✓ به نیابت از کسی که زنده است با اجرت یا بی اجرت. بعضی از فقها در درستی چنین اعتکافی، تردید کرده اند. اگر نیاب، اعتکاف را به قصد رجا (یعنی امید به مطلوب بودن عمل نزد خدا) و ثواب بردن، نه به عنوان عبادتی حتمی انجام دهد، مانعی ندارد.

اعتکاف از اعمال مستحبی است که مورد نظر وصیت قسم عهد و شرط قرار می گیرد و بهترین نذر و قسم است چون هم طریقت دارد و هم موضوعیت هم کم هزینه است و هم به دیگران محدودیت ایجاد نمی کند هم در پیشگیری از جرم موثر است و هم در جلب فضائل هم عبادت است و هم سیاحت هم ترک عادت از بدی ها و هم عادت کردن به خوبی هاست

چون اعتکاف زیارت است و در بین عبادات زیارت نیابت دارد و هدف از زیارت خالی نبودن مسجد از زائر است و همه افراد نسبت به زیارت مسجد مکلف هستند کسی که توان آن را دارد که خود انجام می دهد و کسی که توان ندارد می تواند اجیر یا نایب بگیرد تا از طرف او ادای تکلیف کرده و فضائل آنرا نصیب خود کند.

شرایط:

ایمان و عقل و...

نیت اعتکاف، تکریم و زیارت و تعظیم و توقیر است.

در ایام اعتکاف نباید از مسجد خارج شویم مگر برای ضرورت

جنب و حائض از این فیض محرومند (چون اعتکاف و حضور در مسجد آمادگی روحی می خواهد)

اعتکاف مکث و لبث در مسجد به شرط روزه است بدون هیچ گونه عمل و ذکر و دعا لذا می تواند بخوابد یا بنشیند یا بایستد یا هر کاری را که در مسجد جایز است انجام دهد

اعتکاف در فقه بعض اهل سنت به کمتر از ۳ روز هم گفته می شود و حتی برای چند لحظه (داخل مسجد النبی ﷺ نوشته اند: نوبت الاعتکاف یعنی هر وقت وارد شدی نیت اعتکاف کن)

اعتکاف کمتر از ۳ روز نمی شود، سه روز هم متصل است نه منفصل

اگر زن حائض شود اعتکاف اش باطل است

اگر بدانند در مدت اعتکاف حیض میشود نمی توانند نیت اعتکاف کند

اگر دو روز بماند روز سوم واجب می شود

بعضی از اهل سنت اعتکاف در راهرو مسجد را جایز میدانند تسهیل المقاصد صفحه ۳۵۷

از مواردی که مستحب واجب می شود مثال به اعتکاف زده می شود که با نذر یا وصیت یا اجاره یا قسم واجب میشود

اعتکاف مخصوص ایام خاصی نیست گرچه آخر ماه مبارک رمضان را پیامبر معتکف می شده است

مسافر که نمیتواند روزه بگیرد معتکف نمی تواند بشود مگر دائم السفر و ...

نذر اعتکاف در ایام خاص و گرچه در سفر را بعضی قبول ندارند

معتکف یک نماز تحیت در اول ورود دارد اما بعد خروج اضطراری وقتی برمی گردد نماز تحیت ندارد

نماز نافله و مستحب بهتر است در غیر مسجد بخوانند و علت در خانه خواندن خفاست لذا آیت الله شبیری زنجانی می فرماید: اگر هنگام خواندن نافله مرتبه خفاء از دیگران در خانه و مسجد یکسان باشد بعید نیست مسجد افضل باشد؛ چنانچه علامه مجلسی فرموده: « و أمّا صلاة النافلة، فلم یرد إیقاعه فی المسجد الا عند الاعتکاف و لزوم المسجد»^{۴۲}

خرید و فروش جایز نیست مگر برای ضرورت و مایحتاج مصرفی در حین اعتکاف

ضرورت زنانشوئی مجوز خروج از اعتکاف نمی شود، حتی اگر برای امر ضروری دیگری از مسجد خارج شود نمی تواند زنانشوئی داشته باشد چون وقتی برای ضرورت خارج می شود معتکف است و مشمول آیه (لا تباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد) می شود

قبل از اعتکاف قرار بگذارد که در حین اعتکاف او را دعوت به خروج کنند تا خروج ضروری باشد، اشکال دارد

ویژگی های اعتکاف:

با اینکه اعمال مستحبی قضا ندارد اعتکاف قضا دارد

معتکف احکام و آداب اعتکاف و روزه و حضور در مسجد و محرمات احرام حج را مراعات کند

هرگونه لذت جنسی اشکال دارد نه فقط مباشرت با زنان حتی با تلفن به همسر

حصار کشی و تحجیر و خیمه زدن و جایگاه سازی در مسجد خصوصاً اگر مزاحم دیگران باشد اشکال دارد مگر برای اعتکاف خوردن چیزهایی که ضعف می آورد یا باعث بیشتر رفتن به سرویس بهداشتی می شود ممنوع است.

اگر در حال اعتکاف نذر کنند از مسجد خارج شود اعتباری ندارد

روزه جزء اعتکاف نیست والا در ماه رمضان نباید معتکف شویم چون روزه آن مستقلاً واجب است چنانچه در غیر ماه رمضان هم می توان روزه بعنوان قضا یا نذر و امثال آن باشد پس روزه جزء اعتکاف نیست لذا اگر کسی نذر اعتکاف کرده می تواند روزه اش به نیت دیگری باشد مگر اینکه اجیر شده باشد هم برای اعتکاف و هم برای روزه چنانچه موجر هم می تواند روزه اعتکاف اجاره ای را به نیت دیگری اجاره دهد.

اگر اعتکاف اعمالی داشته باشد روزه گرفتن سبب ضعف و نقصان عمل است و لزوم روزه گرفتن دلیل آن است که حضور در مسجد و درک فضائل و برکات آن، آمادگی روحی می خواهد نه جسمی.

در اعتکاف (غیر ماه رمضان) روزه قضا اشکال ندارد همچنین به نیابت از دیگران نیز می تواند باشد (امتیازات اعتکاف)

چون روزه شرط اعتکاف است اما اگر گفتیم روزه جزء اعتکاف است قهراً روزه برای کسی است که اعتکاف برای اوست اگر خودش باشد قهراً اشکالی ندارد و اگر روزه جزء اعتکاف باشد اعتکاف در ماه رمضان به مشکل می خورد چون روزه رمضان واجب است.

اما اگر به نیابت دیگری باشد و شرط نکرده اشکال ندارد و اما اگر شرط کرده که روزه برای نایب باشد قهراً روزه برای نایب است نه منوب عنه.

در اعتکاف بلوغ شرط نیست لذا کودک ممیز هم می تواند.

نشستن در حال اعتکاف در سجاده و جایگاه دیگران حرام است ولی اعتکاف صحیح است اما اگر او را از مسجد بیرون کنند اعتکاف مشکل پیدا می کند

انسان می تواند در شهر دیگری اعتکاف را بجای آورد به شرط آن که روزه اش در آن شهر صحیح باشد

اگر کسی به قصد مسجد جامع معتکف شود و بعد از اعتکاف بفهمد آنجا حسینیه یا نمازخانه بوده اعتکاف باطل است

اگر اعتکاف در مسجد باطل بوده و باید اعاده کنند لازم نیست در همان مسجد اعاده کنند در هر مسجدی می توانند چون مساجد مشترک المنافع هستند مگر اینکه نذر کرده یا اجیر شده برای اعتکاف در مسجد خاصی که اگر باطل باشد باید در همان مسجد معتکف شود مگر اینکه در مسجد خاصی و زمان خاصی باشد که در آن صورت نیابت باطل و قضایی ندارد

خرید و فروش حرام است ولی مثل خیاطی و نجاری اشکال ندارد

خرید و فروش حرام است اما مبطل اعتکاف نیست

هر چه روزه را باطل میکند اعتکاف را هم باطل میکند

محرمات اعتکاف به غیر از جماع اعتکاف را باطل نمی کند

در صورت مباشرت کفاره واجب می شود؟ و کفاره بر عهده زن است یا مرد؟ (اعتکاف زن باطل می شود یا مرد یا هر دو؟)

اگر در مسجدی که معتکف شده نماز جمعه برگزار نمی شود آیا می تواند برای نماز جمعه خارج شود؟

التزام و اعتکاف در مشاهد ائمه وجود ندارد لذا فرموده اند: زر و انصرف

اگر گفتیم که مسجد جامع جایی است که امام حضور داشته و نماز خوانده آیا در سامرا می شود معتکف شد؟

اعتکاف زن نیاز به اذن شوهر دارد؟ اگر اجازه داد و روز سوم خواسته ای از او داشت می تواند خارج شود؟

روزه و اعتکاف و ماه مبارک رمضان:

در آیه ۱۸۷ سوره بقره احکام روزه و اعتکاف با هم آمده است و بیشتر حدود زناشویی را مطرح کرده است.

روزه عملی ندارد فقط امساک است چنانچه اعتکاف هیچگونه عملی ندارد و امساک از خروج در مسجد و لبث و وقوف در مسجد است اما حضور در مسجد ظهور و بروز دارد که با روزه تضاد دارد روزه منفی و حضور در مسجد مثبت است و تضاد حضور علنی و روزه مخفی آفت های زیادی را از انسان دور میکند و حسناتی را جذب می کنند شاید همین باعث شده که کسانی که در اعتکاف کتاب ها نوشته اند به سیر و سلوک و عرفان و خودسازی پرداخته اند و از معرفت و عرفان اعتکاف دور شده اند اعتکاف برای خودسازی نیست برای تعمیر مسجد است، در اختیار مسجد بودن است نه در اختیار گرفتن مسجد. چرا که فقط لبث و حضور در مسجد بدون هیچ گونه عملی ارزشمند است و فضائل زیادی دارد در حالیکه معمولاً اعمال و ذکر و دعا باید داشته باشد

چون روزه در حقیقت امساک و خود نگهداری و خودداری است اعتکاف هم به نحوی خودداری از خروج از مسجد و خود نگهداری در مسجد است و اعتکاف معجونی است از دو عبادت حضور در مسجد و دیگری شرط صحت روزه است

اینکه انسان در فضایی سه روز بدون هیچ گونه عملی باشد آزادی عمل و اندیشه و مختار بودن را می رساند و مهمتر آنکه خود مسجد جهات مختلفی برای اندیشیدن دارد و اگر می بینیم بعضی مساجد دارای معماری خاصی و رنگ آمیزی ویژه و یا از جهت جغرافیایی امتیازاتی دارند معلوم میشود در مسجد آزادانه اندیشیده اند در حالی حضور مستقیم در مسجد و اندیشیدن در تاریخ مسجد، مسجدها در گذر تاریخ، مفاهیم علمی مسجد، مفاهیم فقهی و کارکردهای مسجد آنقدر گسترده است که پیامبران الهی را مجذوب کرده است سالها در مسجد می ماندند گسترش توحید را در مسجد جستجو می کردند تا آنجا که پیامبر ﷺ بعد از هجرت سالها مشتاق رسیدن و فتح مسجد الحرام بود و خداوند وعده آن را به پیامبر ﷺ داده (لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ أَنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ) و ۲۳ جنگ داشته و وقتی مسجد الحرام فتح شد پیامبر ﷺ به اهدافش رسید و همه را بخشید و آثار مسجد در تاسیس و ادامه حکومت های صالحان و مبارزه با ستمگران مسجد در طول تاریخ نقشه مهمی داشته است

فرق روزه رمضان و اعتکاف: خوردن و خوابیدن در ماه رمضان فضیلت زیاد دارد بخلاف اعتکاف که کم خوردن ارزش دارد و باید از غذای مدر و ادرار آور جلوگیری کرد

ارجحیت اعتکاف ماه رمضان:

سنت پیامبر، وحدت جهان اسلام، حضور بیشتر مردم در مسجد، شبهای قدر نیازی به روزه نیست چون روزه هستند، آمادگی روحی، کم بودن کسب و کار.

زن و اعتکاف:

اعتکاف هاجر کنار کعبه و داخل مسجد الحرام (رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ)

اعتکاف حضرت مریم در مسجد الاقصی (کلما دخل علیها زکریا المحراب)

لا تباشروهن و انتم عاکفون فی المساجد: بحث مباشرت با زن فرع بر حضور زن در اعتکاف می باشد. معقول نیست که مرد برای مباشرت از مسجد خارج شود یا اینکه زن از خانه به مسجد بیاید مشخص است که زن و مرد با هم در مسجد معتکف اند.

چگونه اهل سنت می گویند اعتکاف زن در خانه است؟

آنها که مسجد زن را خانه اش دانسته اند اعتکاف زن را در خانه صحیح ندانستند اذن شوهر در اعتکاف شرط نیست مگر اینکه مرد مانع شود جواهرالکلام جلد ۱۷ صفحه ۱۷۵

با اینکه اسلام برای سلامت خانواده حدودی را معین و ملاحظات شدیدی دارد لا تقربوا الزنا ولی برای حضور زنان در مسجد کمترین محدودیتی ملاحظه نکرده است و کسانی که از شرایط حضور زنان در مسجد جوان بودن و زیبایی را مانع و تحفظ بر عفت را ملاک قرار داده اند سند محکمی ندارد حضور زنان در مسجد تنها راه حضور زنان در جامعه شمرده شده و وجود موانع را شرط ندانستند ولی برداشتن موانع را لازم دانسته اند.

نکته:

اعتکاف در ماه رمضان سهل و آسان است چون روزه آن واجب و مردم معمولاً مقید به مسجد رفتن هستند (خصوصاً شبهای قدر) جالب آن است که مسجد در ماه رمضان و غیر ماه رمضان فرقی ندارد ولی حضور در مسجد میزان سنجش روزه داران است

اهل و آل مسجد:

در قرآن مجید آمده: أَهْلَ الْكِتَابِ ... أَهْلُ الْإِنجِيلِ، ... أَهْلَ الْقُرَى، ... أَهْلُ - الْمَدِينَةِ، ... أَهْلَ الْبَيْتِ، ... أَهْلَ الذَّكْرِ، ... أَهْلُ هَذِهِ الْقَرْيَةِ، ... أَهْلُ النَّارِ، ... أَهْلُ - التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

، اهل در صورتی استعمال میشود که میان یکعهده افراد، پیوند جامعی بوده باشد و آن افراد انسی و الفتی لازم است مثل اهل کتاب. اهلی: در مقابل وحشی است که بمعنی کنار و نا آشناست.

در باره حضرت نوح آمده «رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي» خدا در جواب فرمود «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» هود: ۴۶ و «وَنَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ» آیه ۷۶ صافات

آل مقلوب از اهل است و مصغر آن اهیل میباشد و فقط در اشراف و بزرگان بکار میرود مثل آل الله، در اشخاص ناشناس و زمان و مکان بکار نمیرود. آل موسی ...، آل هارون ...، آل ابراهیم* ...، آل عمران* ...، آل یعقوب* و ...

آل به وابستگان سیاسی و اجتماعی و مذهبی ... و اهل به وابستگان به غیر شخص هم گفته می شود

وَ عَظُمَتْ قُرَيْشٌ فِي الْعَرَبِ وَ سُمُّوا آلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عليه السلام إِنَّمَا سُمُّوا آلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَنَّهُمْ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ. الأُمالي (للصدوق)؛ النص؛ ص ۲۸۶

اهل مسجد اهل بیت اند: وَ الْبَيْتُ هُوَ الْمَسْجِدُ الْمُطَهَّرُ وَ هُوَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَهْلَ الْبَيْتِ فَنَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ
عَنَّا الرَّجْسَ وَ طَهَّرَنَا تَطْهِيرًا^{۴۳}

بحث عصمت مسجد

فرق اعتکاف با رهبانیت:

گرچه اعتکاف و رهبانیت از یک جنس است لکن رهبانیت دارای تعاریفی در ادیان مختلف است رهبانیت از رهب و گریز از دنیا و گوشه نشینی و منزوی شدن است که در ادیان مختلف تعابیر مختلفی دارد گاهی برای فرار از جهاد و مبارزه با ظالم و ظلم بود چنانچه در بعضی ادیان وقتی با کفار جنگیدند و شکست خوردند و کفار هر کجا آنها را پیدا می کردند می کشتند از اینرو رهبران آنان دستور تفرقه داد تا شناخته نشوند (واجعلوا بیوتکم قبله) و منتظر ظهور پیامبر اسلام ﷺ بودند که اسلام این تفکر را رد کرد و فرمود لا رهبانیه فی الاسلام و رهبانیه امتی لزوم المساجد که حضور در صحنه و در جمع و جماعت کمتر از جهاد نیست (قال رسول الله ﷺ من لم یر غدوه ورواحه إلی المساجد من الجهاد ، فقد قصر عمله)^{۴۴} چنانچه ائمه طاهرین دست از مسجد نکشیدند با اینکه در خطبه ها امیر المومنین (علیه السلام) را ناسزا می گفتند می رفتند و می نشستند و می شنیدند و فریاد هم نمی زدند ولی با این سکوت شیعه و امیرالمومنین را احیا و آل سفیان و مروان را منزوی کردند و قرآن هم فرار به عنوان رهبانیت را مطرود شمرده (رهبانیه ابتدعوها) را عنوان می کنند لذا رهبانیت با اعتکاف اشتراکاتی دارد و اعتکاف نباید به معنی رهبانیت و فرار باشد بلکه فرار به جلو و حضور در مسجد است و چه بسا معتکفین لباس خاصی داشته باشند تا از غیر معتکفین شناخته شوند گرچه امتیاز و ارزش و فضیلت است ولی به معنی سلطه و باجگیری هم نیست (سواء العاکف فیہ و الباد)

فرق اعتکاف با مستجار:

که هم اسم مکان است و هم وصف است برای کسانی که به جای رها کردن زندگی و پناه بردن به کوه و دشت به کنار خانه خدا در مکه یا مساجد جامع شهر ها رسانده و یا خود را در کربلا یا نجف یا امثال آن مقیم می کنند و مقصد زندگی خود را مرگ در کنار خانه خدا یا اولیای خدا میدانند

همانند حضرت یحیی (علیه السلام) که از مسجد بیرون نمی آمد تا نکند در غیر مسجد از دنیا برود

^{۴۳} . بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۱۳۸

^{۴۴} . کنز العمال ۵۶۹/۷

فرق اعتکاف با سکونت در مسجد:

بعضی مسجد را استراحت گاه و خوابگاه می کنند بدون آنکه برای مسجد ارزشی قائل باشند که در اسلام جایز نیست. بعضی برای فرار از خانه و کاشانه در مسجد سکونت دارند ولی فضیلت برای کسانی است که مسجد را مسکن و محل قرار و ملاقات با خدا و بهترین خلق خدا قرار می دهند و بعضی مسجد را برای خدمت به اهل مسجد و اقامه نماز انتخاب می کنند مثل حضرت ابراهیم: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ - ابراهیم : ۳۷ - مثل روحانیون فداکار که در شهرها و روستاها در مسجد یا کنار آن متوقف شده و خود را وقف خدمت به مسجد می کنند.

اشتراکات اعتکاف با وقوف و بیتوته:

هر سه نیت می خواهد و هر سه عملی مشروط ندارد. ولی اعتکاف به بیتوته نزدیک تر از وقوف است ولی در معنی اعتکاف و وقوف یکی است. اصل اعتکاف برای مسجد الحرام است چنانچه وقوف و بیتوته کنار مسجد الحرام است.

فرق اعتکاف و تحریر (معتکف و محرر)

اعتکاف شرایطی دارد و موقت است ولی محرر به کسی می گویند که خود را آزاد کرده یا آزاد شده برای حضور دائم و همیشگی و خدمت در معبد و مسجد که انواعی دارد:

آزادی از خوردن در زمان خاص همانند روزه در یک روز یا چنانچه گفته شد بتوانند با تمرین غذا را چنان کم کنند که بتوانند چهل روز از رفتن به سرویس بهداشتی آزاد باشد و وضویش باطل نشود.

بعضی خود را از غذای پخته معاف می کنند و بعضی از مواد گوشتی و پروتئینی یا مواد لبنی و یا چهل روز فقط آب میخورند

و بعضی از تهیه غذا معاف هستند و هزینه نمی کنند و معمولاً برای آنها غذا می برند (کَلِمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا) همانند معتکف که کراهت دارد غذا بخورد و بخورد

و بعضی خود را از حرف زدن آزاد می کنند مثل پیامبر که کمتر حرف می زدند و بیشتر گوش می دادند (وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ - التوبة : ۶۱) و بعضی به هیچ وجه حرف نمی زنند مگر با خدا و لم اکلم اليوم انسیا (روزه صمت و سکوت) و در مسجد سفارش شده است که حرف دنیایی نزنید یا اینکه نشستن و حضور در مسجد عبادت است و گرچه نماز و ذکر نداشته باشد

بعضی از مسکن آزاد هستند خانه ای جز مسجد ندارند و از مسجد خارج نمی‌شوند (حضرت یحیی این چنین بوده و بعضی از خواجه های حرم پیامبر چنین اند و مثل اصحاب صفه. در هند عاکفی بود که ۸۰ سال از معبد و مسجد بیرون نیامده بود)

بعضی آزاد از شهوت اند یا به وسیله اخته کردن یا اخته شدن یا مصمم اند که ازدواج نکنند همانند حضرت عیسی و کشیش ها چون مسئله شهوت بیشترین فرصت فکری و هزینه ای را دارد چنانچه مسئله مباشرت با زنان برای معتکفین ممنوع است حتی در شب

بعضی خود را از لباس آزاد می‌کنند (خدوا زینتکم عند کل مسجد) و عریان یا نیمه عریان هستند همانند احرام حج به گونه‌ای که هیچ گونه تفاوتی با دیگران ندارند در زمان جاهلیت بدون لباس طواف می‌کردند لباس را از مظاهر دنیا می‌دانستند و از آن خودداری می‌کردند

بعضی خود را آزاد از فرزند می‌کنند چنانچه حضرت ابراهیم اسماعیل را کشت و در قرآن مذمت نشد بلکه به عنوان الگو مطرح شده است

بعضی از خوابیدن و دراز کشیدن خود را محروم می‌کنند و فقط نشسته چرت می‌زنند و بعضی خود را ملزم به ندیدن می‌کنند که در اسلام مذمت شده است. (الإسراء/۷۲ وَ مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا)

در بحث امامت مطرح خواهد شد که روحانی و امام مسجد محرر است و از همه آلائش ها آزاد است و فقط خود را وقف مسجد و خدمت به مسجد و اهل آن کرده است. در آیه تعمیر مسجد تصریح شده است (انما يعمر مساجد ... و لم يخش الا الله) خادم و اهل مسجد و خادم دین از هیچکس و از هیچ چیز جز خدا هراسی ندارد و پست و پول و مقام او را به تردید نمی‌اندازد لازمه محرر بودن نرسیدن است چون ترس معمولاً برای از دست ندادن است و محرر چیزی ندارد تا از دست بدهد

تفاوت ها و تشابهات حج و اعتکاف

اعتکاف با حج شباهت های زیادی دارد

اعتکاف مهمانی خداست و معتکف حداقل سه روز در خانه خدا حضور دائم داشته همانند حج و ماه مبارك. ولی اعتکاف ارج و قرب بیشتری دارد چون روزه ماه مبارك رمضان و حج واجب اما اعتکاف مستحب است و کسی که معتکف می‌شود از روی محبت و عشق است نه از روی وجوب و استطاعت، همانطور که ثواب اعتکاف از حج و ماه رمضان بیشتر باشد امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «من اعتکف عشرا في رمضان كان كحجبتين و عمرتين» هرکس در ماه رمضان ده روز معتکف شود ارزش آن معادل دو حج و عمره می‌باشد چون اعتکاف در ماه رمضان می‌باشد تعبیر دو حج و دو عمره آورده و ماه رمضان را مطرح نکرده است کانه ثواب روزه و رمضان را نیز برده است و اگر در غیر ماه رمضان باشد باید به گونه ای دیگر باشد یعنی علاوه بر حج ثواب ماه رمضان هم دارد

۱. امام صادق (ع): «ينبغي للمعتكف اذا اعتكف ان يشترط كما يشترط الذي يحرم»^{۴۵}. اموري که در حج ممنوع است در اعتكاف ترك شود؛ مانند ترك نگاه به آينه، و عطر زدن و مجادله و...

مستحب است معتكف از محرّمات احرام مبتلى به در اعتكاف خودداري نمايد مثل مباشرت نساء، عطر و بوى خوش، جدال، نه مثل صيد و كندن درخت و امثال آن

و الأقوى عدم وجوب اجتناب ما يحرم على المحرم من الصيد و إزالة الشعر و لبس المخيط و نحو ذلك و إن كان أحوط. عروة الوثقى ج ۲ ص ۲۵۹

۲. خروج از مسجد اعتكاف را باطل مي كند در حج خروج از حرم، حج را باطل مي كند

۳. همان طور كه در عرفات و مشعر وقوف عبادت شمرده مي شود، در اعتكاف نيز وقوف در مسجد عبادت محسوب مي شود

۴. همان طور كه حاجي در حال احرام از بسياري از لذائذ محروم مي شود در اعتكاف نيز از لذائذ محروم و به لذت اصلي زيارت مي رسد هر چند مثل آنجا احرامي نبسته است ولي طبيعتا وقتي شخص معتكف مي شود همانند شخص محرم خواهد شد و اموري را بر خود حرام كرده است.

۵. فلسفه ي حج پيوند و اتحاد مسلمين و نزديكي قلوب آنان است كه اعتكاف نيز داراي اين ويژگي است.

۶. در اعتكاف مثل حج فقير و توانا، پير و جوان، استاد و شاگرد و... از کنار هم بودن لذت مي برند

۷. سزاوار است معتكف قبل از اعتكاف شرط كند كه اگر مشكلي براي پيش آمد از اعتكاف خارج شود همان طور كه سزاوار است حاجي قبل از احرام بستن اين شرط را انجام دهد.

۸. در قرآن معتكفان در کنار طواف كندگان و اعتكاف در راستاي طواف ذكر شده است: «وعهدنا الي ابراهيم و اسماعيل ان طهرا بيتي

للطائفين و العاكفين و الركع السجود» ۴۶

وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ أَهْبَطَ إِلَى الْكَعْبَةِ مِائَةً وَ سَبْعِينَ رَحْمَةً فَجَعَلَ مِنْهَا سِتِّينَ لِلطَّائِفِينَ وَ خَمْسِينَ لِلْعَاكِفِينَ وَ أَرْبَعِينَ لِلْمُصَلِّينَ وَ عَشْرِينَ لِلنَّاظِرِينَ^{۴۷}

^{۴۵} وسائل الشيعه، ج ۷، باب اعتكاف

^{۴۶} ۱۲۵ بقره

۴۷ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹۶، ص: ۵۰

۹. ارزش و فضیلت حج و اعتکاف بخشش گناهان است: «من اعتکف ایمانا و احتسابا غفرله ما تقدم من ذنبه» ۴۸ (هر کس برای خدا و با ایمان کامل معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می‌شود) و برای هر دو محرمات مشترك هست.
۱۰. هرکس هرچند مستحبا وارد احرام شد واجب است آنرا کامل کند در اعتکاف هم هرکس دو روز ماند روز سوم را باید بماند.
۱۱. اعتکاف واقعی اعتکاف در مسجدالحرام است همانند حج.
۱۲. اعتکاف با نذر و عهد و قسم واجب می‌شود و حج بر غیر مستطیع به واسطه این اسباب واجب می‌شود.
۱۳. در هر دو نیابت صحیح است.
۱۴. خروج حاجی از احرام، حرام است و خروج معتکف نیز در روز سوم از اعتکاف حرام است.
۱۵. در حج حق اولویت هنگام طواف با حاجی است و در مسجد هنگام نماز اولویت با معتکف است.
۱۶. در حج آمده لا جدال فی الحج امام باقر علیه السلام جدال را از محرمات اعتکاف شمرده است
۱۷. چرا در بین محرمات جدال را مطرح کرده‌اند در حالی که اعتکاف گاها در تنهایی است و جدال در تنهایی معنا نمی‌دهد شاید به دلیل آن باشد که جدال با نفس و خود بینی و خودبرتربینی که در آیه سوا العاکف فیه و الباد آمده از لوازم آن باشد
۱۸. در اعتکاف هر نوع لذت جنسی ممنوع می‌باشد «و لا تباشروهن وانتم عاکفون فی المساجد» ۴۹ در حال اعتکاف با همسران خود مباشرت ننمائید و در حج تمتع از زنان ممنوع است

تفاوت های حج و اعتکاف

- از برتری های اعتکاف بر حج روزه است که در احرام و حج روزه نیست.
- حج عمره دارد ولی اعتکاف دوگونه نیست مثل حج و عمره.
- خرید و فروش در حالت احرام اشکال ندارد ولی در اعتکاف جایز نیست.
- در خروج ضروری معتکف باید کوتاه‌ترین مسیر را انتخاب کند اما در احرام اینگونه نیست.
- در خارج از مسجد معتکف نباید بنشیند به خلاف احرام که می‌تواند استراحت کند و بنشیند
- معتکف نباید زیر سایه برود بخلاف محرم که رفتن او زیر سایه امثال بازار و تونل اشکال ندارد.

^{۴۸} کنز العمال ج ۸ ص ۸۶۴ ح ۲۴۰۰۷

^{۴۹} بقره ۱۸۷

اگر زنی در احرام حائض شد احرامش باطل نمی‌شود ولی معتکف با حیض اعتکافش باطل می‌شود

بین دو حج یک سال فاصله می‌شود و بین دو عمره می‌فرمایند یک ماه فاصله شود اما در اعتکاف فاصله ای نیست.

اعمال حج کم و زیاد ندارد ولی اعتکاف حداقل سه روز و حد اکثری ندارد

حج مستحبی یا عمره قضا ندارد و همیشه ادا است ولی در اعتکاف سفارش به قضا شده

قَالَ الصَّدُوقُ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ كَانَتْ بَدْرٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَمْ يَعْتَكِفْ رَسُولُ اللَّهِ ص - فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِنْ قَابِلٍ اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ ص
عَشْرِينَ عَشْرًا لِعَامِهِ وَ عَشْرًا قَضَاءً لِمَا فَاتَهُ. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص: ۵۳۳

کفار اعتکاف نه جزء بردار است نه اختیاری و در کفاره حج در مواردی اختیار دارد

اعتکاف در هر مسجد جامعی و در هر زمانی به غیر عید فطر و قربان امکان پذیر است ولی حج محدود به شهر مکه و در زمان خاصی است.

مواقف در حج کمتر از وقوف در مسجد برای اعتکاف است و زمان احرام کمتر از اعتکاف است

مواقف در حج فاصله دارد ولی در اعتکاف سه روز متصل است ۵۰

آسیب شناسی اعتکاف

اعتکاف بدلیل داشتن جنبه های عاطفی و عرفانی بودن آسیب پذیر است همانند رهبانیت بطور طبیعی دستخوش تغییر و بدعت می‌شود چنانچه در ادیان گذشته شده است (وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا^{۵۰}) و انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام حساسیت خاصی نسبت به بدعت های اعتکاف داشته اند تا آنجا که فرموده اند لا رهبانیه فی الاسلام. به آن اندازه که چندان تبلیغی از اعتکاف نکردند چنانچه علما و بزرگان دین نسبت به آسیب های اعتکاف حساس بوده اند و نظارت عالم بر عاکف را ضروری دانسته اند و نباید اعتکاف به دست عوام یا عوام زدگان بیفتد چنانچه در تاریخ ادیان قبلی شاهد آن هستیم؛ با اینکه اعتکاف بسیار ارزشمند و فضائل و آثار زیادی دارد و علماء نسبت به توقیفی بودن اعمال و دعاهای مستحب به دلیل گسترش مستحبات بیش از واجبات حساسیت داشته اند

^{۵۰} . بین وقوف در عرفات و وقوف در مشعر و بیتوته در منی فاصله زمانی و مکانی است و در اعتکاف سه روز متصل است.

اعتکاف در همه ادیان دارای جایگاه رفیع و تشریفاتی بوده است در اسلام نیز رد نشده و مورد تایید و تشویق چندانی قرار نگرفته است و از طرفی حدودی برای آن مشخص شده است (لا تباشروهنّ) بدون اینکه فضیلتی را بیان کند حدود را مورد توجه قرار داده است (و من يتعد حدود الله...)

راستی چرا اعتکاف با این همه عظمت آن چنان سفارش نشده است شاید یکی از دلایل پیچیدگی های اعتکاف و احکام آن باشد چون ممکن است با بدعت ها خود و دیگران را به زحمت بیاندازند و نمونه های آن این روزها ظاهر میشود کتاب های متعددی در اعتکاف نوشته شده که احکام و فلسفه اعتکاف در آنها تبیین نشده و به مسائلی در سیر و سلوک مبهم و بی هدف و گوشه گیری های ناپسند و مسائلی که با روح اعتکاف منافات دارد خصوصاً نقل قول هایی از کسانی که علاوه بر این که معصوم نیستند عالم و مجتهد هم نیستند و با مسجد چندان ارتباط ندارند با اینکه اعتکاف راهی برای شناخت مسجد و فضائل آن است و از روی بازاریابی و کسالت در انجام واجبات به عرفان روی آورده اند (مدعیان دروغین) و اعمالی را سفارش کرده اند که بعضی را از طولانی بودن آن فراری داده و بعضی را به گمراهی کشانده است با این که اعتکاف هیچگونه عملی ندارد و دعاها و اعمالی که مستقل از اعتکاف است به آن اضافه کردند و آن چنان اهمیت داده اند که اصل اعتکاف را کم رنگ و با کسالت و کراحت انجام می گیرد و لا تکرهوا علی انفسکم العباده مثل احیای شب ها و جوب نماز های نافله دعای کمیل و ابوحمزه عاشورا و جامعه و عمل ام داوود و مراسم جشن تولد امیرالمومنین و عزاداری رحلت حضرت زینب و سخنرانی های متعدد و طولانی و قطعنامه و شعار و شبی با قران و امثال ذلک.

چرا نماز با امامت عالم صدها و هزارها برابر فضیلت دارد با این که نماز نیاز به عالم ندارد و قرائت و قیام و قعود آن چنان مشکلی نیست یقیناً دلیلش این است که حتی نماز که چند کلمه و چند سجده و رکوع دارد باید با نظارت عالم بوده و عابد بدون پشتوانه علمی چنان بی ارزش شده که می فرماید المتعبد بغير فقه كالحمّار الطاحونه.

ویژگی اعتکاف

اعتکاف معجونی است از چند ملاحظه و چند نیت بدون آنکه عملی داشته باشد یعنی هم محرمات احرام را بدانند و هم آداب حضور در مسجد را و هم روزه و احکام آن را با این که پیامبر ﷺ در حال اعتکاف بود و شنید صدای قرآن را و احتمال داد که شاید بعضی نخواهند حتی قرآن گوش بدهند یا بخوانند فرمود: **أَلَا إِنَّ كَلِمَکُمْ مُنَاجِ رَبِّهِ فَلَا يُؤْذِنَنَّ بَعْضُکُمْ بَعْضاً وَ لَا یَرْفَعَنَّ بَعْضُکُمْ عَلَی بَعْضٍ فِی الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ: فِی الصَّلَاةِ»**^{۵۲} چه رسد به سخنرانی یا دعای عمومی آن هم با بلندگو و اینکه اجازه داده اند در مسجد بر خلاف قوانین همیشگی مسجد معتکف چادر زده یا حصاری درست کنند این باشد شاید نخواهند ببینند چه کار می کنند نکته جالبی که کمتر به آن توجه شد وقتی از مکان نافله و نماز مستحب سوال می شود فرمودند نافله در غیر مسجد همانند نماز واجب در مسجد است و دلیل در

^{۵۲} . سنن ابی داود، ج ۱، ص ۲۹۹

غیر مسجد بودن را مخفیانه بودن مطرح می کنند آیت الله شبیری زنجانی: اگر خانه و مسجد در خفا و پنهانی یکی است بعید نیست که مسجد بهتر باشد پس ملاک خفا و پنهانی بودن آن است لذا میشود در حال اعتکاف چادر زد به گونه ای دیگر آن را نبینند در حالی که در غیر اعتکاف چنین عملی جایز نیست و باز در آداب مسجد آمده است اگر تنها هستی ذکر و دعا را بلند و جهر بخوان ولی هرگاه دو نفر شدید صدای خود را مخفی کنید چه رسد به اینکه خدای ناکرده اجباری بر این مراسم ها و اعمال مطرح شود

با توجه به دو آیه اعتکاف یکی رهبانیته ابتدعوها رهبانیتی که اساسش بدعت بوده و اسلام مبارزه کرده و یکی آیه (وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۱۸۷ بقره) بعد از بیان اعتکاف کلمه تلک حدود الله فلا تقربوها مطرح شده است و بیش از آنکه به اعتکاف بپردازد به حدود احکام آن پرداخته و فرموده علاوه بر منع عبور از حدود نزدیک نشدن به حدود را مطرح می کند کانه لازمه رهبانیت و اعتکاف افراط گرایی است که باید شدیداً با آن مبارزه شود ثالثاً آنچه ذکر شد به اعتکاف چندان سفارش نشده شاید دلیل آن خروج از حدود و ایجاد بدعت ها است که چه زیباست طلاب و فضلا با حضور خود در این عبادت بیش از هر چیز مراقب باشند از حدود الهی تجاوز نشود چون موضوع اعتکاف و رهبانیت و محرر بودن به گونه ای عاطفی و احساسی است که انسان ها را خصوصاً جوانان پرشور را به تندی می کشاند و بهتر است با همنشینی و معاشرت با روحانیون که طبق گزارش های سال گذشته بیشترین تاثیر در اعتکاف جوانان داشته است به گونه ای که آنها را به جای سالی چند مرتبه روزی چند مرتبه جذب مسجد کرده است و چنانچه از احکام اعتکاف و اینکه هیچ گونه عمل اضافی ندارد که دست باز و فرصت برای هر مشاوره و همنشین باشد.

چرا به اعتکاف آنچنان سفارش نشده:

- ✓ حدیثی دال بر وجوب یا سنت لا یترک بودن نداریم.
- ✓ ارزش اعتکاف آمده ولی وجوب بحث نشده است
- ✓ بعضی از روایات دارد من اراد ان یتکف هر که می خواهد
- ✓ در اعتکاف پیامبر ﷺ همه اصحاب نبوده اند پیامبر دعوت به همراهی در اعتکاف نکرده که می توانند دلیل بر آن باشد که ممکن است اعتکاف افراطی شود

به لطف الهی اعتکاف رشد قابل توجهی داشته ولی چنانچه انتظار می رفت و سابقه تاریخی هم در ادیان دیگر نشان می دهد متأسفانه بعضی بدعت ها در اعتکاف رسوخ کرده که لازم است آن بدعت ها را شناخته و برای رفع آنها اقدام علمی و عملی کنیم و الا گسترش آن متوقف شده و شاهد بازگشت اعتکاف بگونه ای می شود که دفاع از آن غیر ممکن خواهد بود

۱. حفظ آرامش محیط و حاکم کردن جو تفکر و سکوت در فضای اعتکاف اهمیت ویژه ای دارد.

۲. تبدیل شدن اعتکاف به مراسمی سیاسی آسیب است و حال آنکه اعتکاف مراسم نیست

۳. بعضی گمان می‌کنند باید تمام اوقات معتکفین را با برنامه‌های مختلف پر کنند مثل: سخنرانی‌های فشرده، دعاها یا طولانی، شبی باقرآن، تواسیح، ختم صلوات، قطعنامه، مداحی و... که با روح اعتکاف مخالف است. گرچه به طور موقت می‌تواند ثمراتی داشته باشد

۴. عده‌ای که دوست دارند دعائی را هم خوانی کنند در مساجدی که شبستان بزرگ یا متعدد دارد گوشه‌ای از مسجد را انتخاب کنند

۵. اعتکاف رجبیه همراه با شهادت حضرت زینب علیها السلام است و بعضی شب تا صبح مداحی و سینه زنی می‌کنند اگر موجب اذیت دیگر معتکفان شود، به ثوابی دست نیافته و اگر مزاحم عبادت و حتی خواب دیگران شود چه بسا ممنوع و در مواردی حرام باشد.

۶. خوابیدن و یا سکوت اعتکاف را باطل نمی‌کند و نباید معتکفان را مجبور به خواندن نماز شب و امثال آن می‌کنند.

۷. عمل ام داوود جزء اعتکاف نیست و نباید اینگونه معرفی شود؛ و گاهی اعمال ام داوود باعث اضطراب و دلهره معتکفین شده و بهترین و شیرین‌ترین لحظات روز آخر را از معتکفین می‌گیرند. لا تُكْرَهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ.^۳ عبادت را به خودتان تحمیل نکنید.

۸. در آیات و روایات آنچنان سفارشی به اعتکاف نشده و با جمله وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ - بقره ۱۸۷ - شروع شده است این مفهوم را می‌رساند که مردم طبق فطرت خود به دنبال اعتکاف و عشق ورزی با خدای خود هستند تند شدن و افراطی شدن از لوازم اعتکاف و عشق ورزی است لذا به صورت جدی و بسیار صریح می‌فرماید وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ در حالی که شما معتکف هستید وَ لَا تَبَاشِرُوهُنَّ و اعتکاف غیر مسجد را رد کرده و بعد موارد نهی شدید را در یک عمل مستحبی بیان می‌کنند و حال آنکه مستحب با کراهت تقابل دارد نه با نهی و وجوب کفاره و بعد هم می‌فرماید تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ. اعتکاف که مستحب است احکامش را به عنوان حدود مطرح کرده است و به جای تجاوز از حدود. وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ - طلاق آیه ۱، می‌فرماید نزدیک نشوید و آنجا که قرآن می‌فرماید نزدیک نشوید قرینه بر آن است که اگر نزدیک شدید اختیار از شما گرفته میشود مثل لا تقربوا الزنا و در مقابل عمل انجام شده قرار می‌گیرید کان می‌فرماید احکام اعتکاف به قدری حساس است که اگر ذره ای سهل‌انگاری شود از مدار توحید و عبودیت و از بهره‌وری از مسجد خارج میشود در چند جمله پشت سرهم تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ - فَلَا تَقْرُبُوهَا - كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ - لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ حاکی از اهمیت اعتکاف است که بعد از همه ملاحظات شاید تقوا پیشه کنید

۹. با پایان یافتن اعتکاف با مسجد قطع ارتباط نکنیم بلکه انس خود را با مسجد حفظ کنیم و حضورمان را در مسجد همیشگی نماییم.

۱۰. با توجه به اینکه سیره‌ی نبوی اعتکاف ماه رمضان بوده است و روایتی مبنی بر اعتکاف در ماه رجب نداریم. و تبلیغات سنگین برای اعتکاف در این ایام و غفلت از اعتکاف از ماه رمضان در آیند به معنای بدعت جدید تشیع که خلاف سنت نبوی است در شبها مطرح خواهد شد.

۱۱. پوشش هنگام اعتکاف خصوصا خواهان مورد بررسی قرار گیرد

۱۲. استفاده از زیرپوش در اعتکاف احیانا توهین به مسجد است.

۱۳. در اعتکاف‌هایی که روحانی وارسته حضور نداشته باشد مشکلات زیاد بودجود می‌آید خصوصا مساجدی که مداح‌ها محور بودند.

۱۴. پخش بعضی فیلم‌ها و فوتبال با روح اعتکاف منافات دارد

۱۵. حمایت و پشتیبانی اورژانس، هلال‌احمر، نیروی انتظامی از کوه‌پیمایی و نبود حداقل خدمات اولیه به معتکفین

۱۶. با توجه به استقبال مردم و کمبود مساجد مناسب اعتکاف بهتر است مسئولین شهرها مساجد را آماده کنند.

توصیه‌های اعتکاف

۱- تمام اعتکاف را با خواندن دعا پر نکنید که بهترین عبادت تفکر همراه با سکوت در مسجد است. (إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ

صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا - مریم/۲۶)

۲- اعتکاف اردوی آموزش طهارت و تقوی (همانند حج) است، از فسوق و جدال پرهیز شود.

۳- به شکرگزاری اعتکاف توجه شود. مسائل مادی و خدمات مقدمه است و نباید مسائل دینی مقدمه رفاه و اقتصاد شود

۴- گرچه اعتکاف عبادی است ولی بهترین زمینه برای استقامت و خلوص در مسائل سیاسی و اجتماعی می‌شود.

۵- انحصار اعتکاف در مسجد جامع نکته‌ها دارد از جمله: الف) پرهیز از اعتکاف در مساجد خانگی و عزلت‌نشینی ب)

جلوگیری از عرفان‌های کاذب و ادعائی بدون مسجد و جدایی از مرجعیت دینی که همان نظارت عالم بر عابد است

۶- اعتکاف جدائی از مادیات و خودسازی است از تماس‌های مکرر تلفنی و سرگرمی‌های بی‌محتوی پرهیزید.

۷- اعتکاف دو جزء دارد؛ حضور مستمر در مسجد و روزه، مراسم و دعا واجب نیست و اگر مزاحم دیگران باشد جایز

نیست.

۸- سعی شود روزه‌ها اگر نذر نیست به نیت قضا انجام شود.

۹- در مساجدی که جمعیت زیاد است نظم را رعایت کرده و مزاحم دیگران نشوید.

۱۰- زنان مثل مردان معتکف می‌شوند و بیشتر از مردان از حضور در مسجد بهره‌مند اند. مراعات آنها در پذیرایی، اسکان و

... بشود.

- ۱۱- جدا کردن زنان از مردان در اعتکاف مفهوم ندارد (پیامبر ﷺ با همسران خود معتکف می شدند)
- ۱۲- معتکفین مزاحم واردین نباشند بلکه خادم واردین باشند. به دلایل بیهوده مزاحم یا مانع نماز های یومیه غیر معتکفین در مسجد نباشیم. (سواء العاکف فیه و الباد)
- ۱۳- غیر نمازهای یومیهی مسجد که با جماعت بوده، دعاها و اذکار به صورت فردی خوانده شود. (ضمائم دعاها متکلم وحده است)
- ۱۴- بهتر است به جای گفتگوهای تفرقه انگیز به مباحثه علمی و تصحیح عقاید و معاشرت و مشورت با روحانی پردازیم.
- ۱۵- خوشبختانه در اعتکاف تفاوت سنی و فرهنگی زیاد است بزرگسالان مزاحم نوجوانان و بالعکس نشوند و فرهیختگان مراعات حال همه را بکنند.
- ۱۶- بحمدالله اکثر معتکفین جوان هستند از تحریکاتی که موجب افراط و تفریط در عبادت می شود (عرفانهای دروغین و تخیلات واهی) پرهیز شود.
- ۱۷- از آوردن وسائل تشریفاتی و غذاهای ویژه در انظار عمومی که امتیاز بر دیگران است پرهیزد.
- ۱۸- مساجد پر جمعیت اما امکانات خدماتی و تدارکات ناکافی است؛ اگر فضائل و ثواب مجهز کردن مسجد تابلو شود موثر است،
- ۱۹- نظم و آداب اجتماعی و رعایت حقوق دیگران مورد توجه همگان باشد.
- ۲۰- اعتکاف برای چشیدن شیرینی حضور در مسجد است خود را با عبادات طولانی خسته نکنیم تا لذت حضور در مسجد کم رنگ شود.
- ۲۱- اگر هر سه شبی گروهی معتکف شوند تمام سال مسجد معتکف داشته (مثلاً ۱۲۰ نفر یا گروه هر کدام سه روز معتکف شوند که تمام سال معتکف خواهیم داشت و مسجد خالی از عابد نخواهد بود).
- ۲۲- حضور امام مسجد سبب دلگرمی معتکفین می شود
- ۲۳- قابل توجه مسئولین: پیامبر ﷺ با وجود اشتغالات سیاسی و نظامی و اجتماعی هیچ سالی اعتکاف را ترک نکردند.
- ۲۴- اعتکاف برای رونق مسجد است نه برای رونق مراسم
- ۲۵- اعتکاف برای مسجد شناسی و آشنایی با فضائل مسجد است که متأسفانه در کتب اعتکاف به آن توجه شایسته نمی شود
- ۲۶- اعتکاف برای غبار رویی مسجد و تطهیر مسجد از انحرافات و بدعت هاست چون هیچ عملی ندارد
- ۲۷- اعتکاف همگام با تطهیر مسجد خود انسان هم پاک می شود
- ۲۸- گرچه اعتکاف سه روز است ولی احساس یک زندگی طولانی به انسان می دهد
- ۲۹- در حال اعتکاف برای خود حق امتیاز در خوراک و لباس قائل نشویم

- ۳۰- در حال اعتکاف به دنبال پیدا کردن حجت های الهی و برندگان مسابقه انسانیت باشیم و با آنها رفیق شویم
- ۳۱- مردم در خدمت معتکفین باشند تا معتکفین در خدمت مسجد باشند
- ۳۲- گرچه روزه و کم خوردن سفارش شده^{۵۴} ولی خوابیدن و استراحت کردن معتکفین اشکال ندارد
- ۳۳- ماه رمضان فرصت مناسبتری برای اعتکاف است
- ۳۴- آرامش و تفکر و کم کردن برنامه های اعتکاف موجب تقویت و لذت ارتباط با خداوند که هدف اعتکاف است خواهد شد.
- ۳۵- بعضی شهرها روز سوم معتکفین را برای افطاری به خانه می برند؛ اگر تشویق و ترویج شود بهتر است.
- ۳۶- اعتکاف فقط سیر و سلوک نیست بلکه تکلیف عمومی و ادای دین به مسجد است
- ۳۷- جناحی و سیاسی شدن اعتکاف خلاف مبنای اعتکاف است
- ۳۸- تاثیر معاشرت با روحانی از سخنرانی و مراسم دعا بیشتر است.
- ۳۹- نماز در ایام اعتکاف با غیر اعتکاف فرقی ندارد
- ۴۰- اعتکاف در مسجد جامع به معنی حضور در نماز جمعه است اگر با روز جمعه همزمان شد
- ۴۱- اعتکاف یعنی ۳ روز از گزند حوادث دور ماندن
- ۴۲- جایی که امام جمعه یا روحانی معتکف نیست آسیب پذیری زیاد است
- ۴۳- اعتکاف اختصاص به افراد سرگردان و بی خانمان نشود سعی شود فرهیختگان هم باشند
- ۴۴- رادیو اعتکاف تاسیس شود
- ۴۵- اعتکاف برای تعظیم مسجد است نه برای بی حرمتی و اموری که از شئون مسجد نیست و نباید باشد
- ۴۶- اعمال سلیقه های شخصی در اعتکاف و اجتهاد های افراد بی اطلاع که ثمری جز افراطی شدن ندارد که مخالف هویت اعتکاف است
- ۴۷- ثمره اعتکاف اعتدال است نه تجاهل و تجری
- ۴۸- اگرچه اعتکاف مقرون با ذکر و دعا نیست ولی مسجد و ذکر و نباید در مسجد سرگرم یا وسایل سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت باشد

^{۵۴} . و من جملة ما يتعدّر بكنرة الأكل الدوام على الطهارة و ملازمة المسجد فإنه يحتاج إلى الخروج لشرب الماء و إراقتة و فيه ضرر . و من جملة الفوائد الصوم فإنه يتيسر لمن تعود الجوع، فالصوم و دوام الاعتكاف و دوام الطهارة و صرف أوقات شغل الأكل و أسبابه إلى العبادة فيه أرباح عظيمة إنما يستحقها الغافلون الذين لم يعرفوا قدر الدين لكن رضا بالحياة الدنيا و اطمأنوا بها «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» و قد أشار أبو سليمان الداراني إلى ست آفات في الشبع، فقال: من شبع دخل عليه ست آفات: فقد حلاوة العبادة، و تعدّر حفظ الحكمة، و حرمان الشفقة على الخلق لأنه إذا شبع ظنّ الخلق كلهم شباعا، و ثقل العبادة، و زيادة الشهوات، و إن سائر المؤمنين الجياع يدورون حول المساجد و الشباع يدورون حول المزابل. المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء ؛ ج ۵ ؛ ص ۱۵۹

۴۹- به حمدالله بیش از نیمی از تغذیه معتکفان با نذر و وقف و وصیت و مشارکت مردمی است چه خوب است ضمن توسعه این فرهنگ از اموری جلوگیری شود:

۵۰- کیفیت دادن به غذا

۵۱- پرهیز از غذاهای غیر مبارک

۵۲- توجه به غذاهای مبارک

۵۳- جلوگیری از اسراف

۵۴- اگر غذا نذری است برای غیر معتکفین غذای جدا و غیر نذری باشد

۵۵- ترجیحاً از بودجه‌های دولتی نباشد

۵۶- هر چه دولت بتواند خدمات دولتی را فراهم کند سعادت اوست از قبیل حمل و نقل بهداشت و اورژانس و آتش‌نشانی و

امثالهم

۵۷- سازمان‌های فرهنگی از موج سواری و تهیه گزارش و تبدیل کردن اعتکاف به مراسم سیاسی مذهبی اجتماعی و بخشنامه

های اداری بپرهیزند و مثل بقیه مردم به تکالیف خود عمل کنند نه رها کنند و نه تولیت مسجد و اعتکاف را که خارج از فقه و

فقاہت است بپرهیزند

۵۸- اعتکاف برای بریدن از روزمرگی است با تماس‌های مکرر تلفنی که خلاف اعتکاف است دوری کنیم چون اعتکاف

بریدن از جامعه فیزیکی است به بیشتر روحی و روانی است

بہتر است برای خرید لوازم معتکف، وکیل بگیر تا مجبور نشود از مسجد خارج شود

برخی اعتکاف را در رجبہ مسجد جایز دانستہ اند. تسہیل المقاصد، ص ۳۵۷

اہل سنت حداقل مدت اعتکاف را از یک ساعت و یک روز تا ده روز گفتند

لا تباشروہن و انتم عاکفون فی المساجد شامل ہر مسجد می شود و الا آیہ تعیین می کرد

بعضی مساجدی کہ سفر برای آن جایز است را محل اعتکاف دانستند و بعضی مساجدی کہ نماز در آن قصر و اتمام است محل اعتکاف

دانستند برخی گفتند مسجد کہ امام و مؤذن دارند: کل مسجد لہ امام و مؤذن فالاعتکاف فیہ یصلح. المغنی ج ۳ ص ۱۲۴

بحث‌هایی در اعتکاف مطرح است کہ در مقام پاسخگویی نیستیم ولی مطرح شدن آن خالی از لطف نیست:

اعتکاف با این که مستحب است اما خروج در روز سوم حرام و کفاره دارد

برخی خرید و فروش را سبب بطلان می دانند (شرایع)

با اکراه بر خروج اعتکاف باطل می شود

زمان طول بکشد اعتکاف باطل می شود

مکان اعتکاف

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ لَا أَرَى الْاِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ مَسْجِدِ جَامِعٍ^{۵۵}

اعتکاف در مساجد خاص اولاً و بالذات است لذا در این چهار مسجد فضیلت خاص دارد و در مساجد دیگر ثانیاً و بالعرض است

آنچه می تواند مصداق مسجد جامع باشد

از آیه (وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ^{۵۶}) استفاده می شود که مراد فقط مسجدالحرام نیست چون لفظ «مساجد» دارد نه «مسجد» تا محصور در مسجدالحرام شود.

مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ و مسجد کوفه

مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ و مسجد الاقصی

مسجد اعظم که مصداق بارز آن چهار مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ و مسجد الاقصی و مسجد کوفه و مسجد بصره و مسجد

مدائن

مسجد مرکزی شهر

مسجد اصلی شهر، اولین مسجد شهر. مسجد جامع علامت شهر و مدنیت است. (هر روستایی که مسجد دارد حکم شهر و هر شهری

ندارد در حکم روستاست)

مسجدی که جامع بازارها (مسجد چهار سوق) باشد. در مقابل مسجد بازار زرگرها و بزازها و کفاشها (بازاری که مخصوص یک صنف

باشد)

^{۵۵} - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۱۷۶

^{۵۶} - البقرة / ۱۸۷

مسجد جامع در مقابل مسجد قبیله و عشیره و مسجد قلعه

مسجدی که جماعت دارد در مقابل مساجد کوچکی که عموماً برای نماز فرادی است و امام ندارد

مسجدی که امام دارد و جماعت خوانده می شود یک وعده یا سه وعده یا ۵ وعده

مسجدی که سه وعده در آن نماز خوانده می شود

نماز صبح یا ظهر و شب چند مرتبه اقامه می شود.

مسجدی که امامش از طرف حاکم منصوب است و بقیه مساجد تعیین امام از طرف مردم است (احکام السلطانیه)

مسجدی که امام راتب دارد

مسجدی که دارای محتسب و مأمور امر به معروف و نهی از منکر دارد

مسجدی مؤذن منصوب دارد و اذان او ملاک افطار و سحر است در مقابل مساجدی که اذان و مؤذن ندارد (با اذان بلال ۹ مسجد جماعت

می خوانند

مسجدی که چند امام جماعت دارد یکی صبح و یکی ظهر و دیگری مغرب و عشا

مسجدی که چند امام جماعت دارد در عرض هم نماز می خوانند تا هر کسی بتواند امام مرضی را انتخاب کند

مسجدی که چند امام جماعت دارد در طول نماز جماعت می خوانند (نه همزمان)

مسجدی که سابقاً معبد سایر ادیان بوده و سپس تبدیل به مسجد شود

مسجدی که جامع مذاهب باشد و هر مذهبی امامی دارد

مسجدی که جامع مذاهب باشد هر مذهبی کرسی درس دارد

مسجدی که جامع مذاهب باشد هر شبستانی مخصوص مذهب است مثل مسجد جامع قزوین

مسجدی که امامش جامع الشرایط و مرجع باشد

مسجدی که امامش حاکم شرع باشد

● مسجدی که امامش حاکم بر مساجد دیگر باشد و فصل الخطاب در مشکلات است

مسجدی که حاکم اسلامی ساخته

محل ملاقات و استقبال و بدرقه حاکمان است

مسجدی که احکام حکومتی در آن اعلام می شود اعلام عید ، اعلام اول ماه

مسجدی که امامش جامع علوم باشد

مسجدی که عالم مجتهد در آن نماز می خوانند

مسجدی که همه اقشار در او شرکت می کنند در مقابل مسجد قبيله و صنف خاص

مسجدی که جامع خدمات باشد مثل آب انبار ، مدرسه ، حمام ، بازار ، غسالخانه ، حوزه علمیه

مسجدی که مهمانخانه دارد (محل سکونت غربا و ابن السبیل)

مسجدی که علوم وفنون مختلف تدریس شود فقه وتاریخ وفلسفه وریاضی

مسجدی که بزرگتر از مساجد دیگر است

مسجدی که شبستانهای متعدد ویا برای استفاده های متعدد وهمزمان می باشد

مسجدی که از روستاها ومناطق مختلف در آن حضور دارند

مسجدی که نزدیک میدان یا بازار بزرگ شهر

قدیمی ترین مسجد شهر

پرترددترین مسجد

جامع فرهنگها مخصوص دکتراها یا عوام نباشد

فامیل ها ومهاجرین مثل (مسجد حسن آبادی ها نباشد)

مسجد جامع مهاجر وانصار (عاکف و باد)

مسجد جامع اقوام ، اقشار

مسجدی که زنانه هم دارد واختصاص به مردها ندارد جامع زن و مرد

مسجدی که جامع نسل گذشته و آینده است. جامع پیر و جوان

مسجدی که در وسط چند روستا باشد

مسجدی که در محله وسطی روستا باشد

مسجدی که بیش از یک درب داشته باشد مثل مسجد جامع اصفهان که ۷ درب به ۷ محله دارد

مسجدی که هر فامیلی درب مخصوص داشته باشد

مسجدی که منبر یا چند منبر دارد

مسجدی که ماذنه دارد

تأثیر گذار است و سرنوشت ساز در مسائل مختلف فرهنگی و سیاسی

مبدء و مقصد راهپیمایی ها و سفرهای گروهی مثل حج و... و مسائل اجتماعی

مسجدی که واعظ و منبری آن حاکم باشد

منبر و خطیب آن جمع شرایط باشد

مسجدی که مردم در همه امور به آن مراجعه می کنند.

مسجدی که همیشه درب او باز باشد.

مسجدی که در دسترس باشد

مسجدی که عبادت بیشتری در آن انجام می شود

مسجد چهار ایوانه

مسجدی که وسط چهار راه قرار گیرد

مسجدی که حکومت ساخته است یا حکومت روی آن نظر دارد

مسجدی که حکم جهاد از آن صادر می شود

مسجدی که در آن خمس و زکات و انفال جمع و تقسیم می شود

مسجدی که نماز جمعه در آن برگزار می شود (اهل سنت: از شرایط نماز جمعه اقامه آن را در مسجد می دانند و در غیر مسجد نماز

جمعه نمی خوانند

مسجدی که امام معصوم یا پیغمبر ساختند

مسجدی که امام یا پیامبر حکم به ساخت آن داده یا هزینه آن را داده یا سفارش کرده

مسجدی که پیامبر یا امام در آن حاضر شده است

امام و پیامبر سفارش به حضور در آن کرده

مسجدی که امام یا پیامبر در آن نماز خوانده

مسجدی که امام یا پیامبر در آن خطبه خوانده

مسجدی که امام یا پیامبر در آن سخنرانی کرده است

مسجدی که خاطره ای از پیامبران در آن باشد

مسجدی که پیامبر یا امامی در آن مدفون هستند

مسجدی که منزل و محل ملاقات پیامبر و یا امامی بوده است

مسجدی که در بالاسر امام یا امام زاده ساخته می شود

مسجدی که اسم آن در قرآن یا حدیث آمده وفضائلی برای آن بیان شده مثل مسجد قبا

از هر هفت مسجد، یکی جامع است

مسجدی که محل ملاقات مسئولین با مردم است

مسجدی که قضاوت و حل خصومات داشته باشد

مسجدی که متفاوت و خاص باشد

مسجدی که نمونه باشد

مسجدی که هیچکس در آن غریبه و یا خودی نباشد

مسجدی که مردم زیاد در آن می مانند

مسجدی که جمعیت زیادی داشته باشد

مسجدی که تجهیزات اعتکاف داشته باشد

مسجدی که برای اعتکاف ساخته شده و قهرا جامع است

مسجدی که مرکز نشر معارف است

مسجدی که فضای سبز و آب نما داشته باشد

مسجدی که جو آن حاکم بر مساجد اطراف باشد

ارتفاع ساختمان آن از همه بالاتر باشد

مسجدی که گنبد یا گلدسته و ایوان بزرگی دارد

مسجدی که حریم دارد و نزدیک آن نمی شود مسجد ساخت

مسجدی که از نظر معماری همه فنون در آن به کاررفته باشد

مسجدی که تمام کارکرد های مسجد را داشته باشد

مسجدی که حکم رسانه دارد و احکام از آنجا صادر یا در آنجا اعلام می شود (مثلا روزنامه رسمی در ثبت اسناد و املاک و احوال)

مسجدی که در آن جمع می شدند و در آن قرآن می نوشتند چون چاپ نبوده است

در حکومت عثمانی هر مسجدی را جامع می گفتند بدون کلمه مسجد،

مسجدی که مدرسه علمیه در کنار آن قرار دارد جهت پشتیبانی علمی از کارکردهای مسجد

به دانشگاه جامع می گویند چون مسجد محل آموزش علوم انسانی بوده و به دانشگاه دارالفنون گفته می شد مسجدی که دارای کتابخانه است. (اول چیزی که به مسجد آورده اند کتاب بوده است و کم کم کتابهای زیادی وارد مسجد شد کتابخانه باز نه مخزن کتابخانه)

در ساخت حوزه علمیه اختلاف بوده و می گفتند با وجود مسجد نیازی به ساخت حوزه علمیه نیست و خوردن و خوابیدن برای طلاب در مسجد بلامانع است تا بالاخره در صحن مسجد غرفه هایی بدون درب ساخته شد

الفاظ اعتکاف

حنفا - محرر - مقيم - قائمین - مستجار - معتكف و عاكف - اهل و آل - قسيس (كسانی که در معبد حدیث می خوانند) - حنیف: مایل به حق (قاموس) - حواریون: یاران مخصوص (قاموس) - رهبان: صومعه نشین (قاموس) - قسيس و احبار: علماء مسیحی که در دیر می نشینند (قاموس) - حبر: عالم دین که خبر خوش می دهد (قاموس) - مسیح: خادم مسجد (قاموس قرآن، ج ۵، ص: ۸۳)

۱. مردن در راه رفت و برگشت از مسجد یا داخل مسجد (رَجُلٌ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى مَسْجِدٍ لِلصَّلَاةِ فَإِنْ مَاتَ فِي وَجْهِهِ كَانَ صَامِنًا عَلَى اللَّهِ^{۵۷}) حال احرام یا در حرم (قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ ضَمِنَ وَصِيَّةَ الْمَيِّتِ فِي أَمْرِ الْحَجِّ ثُمَّ فَرَّطَ فِي ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَصِيَامَهُ وَلَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُ وَكُتِبَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِائَةٌ خَطِيئَةٍ أَصْغَرُهَا كَمَنْ زَنَى بِأُمِّهِ أَوْ بِابْنَتِهِ وَإِنْ قَامَ بِهَا مِنْ عَامِهِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ ثَوَابٌ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ فَإِنْ مَاتَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْقَابِلِ مَاتَ شَهِيداً وَ كُتِبَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْقَابِلِ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ ثَوَابٌ شَهِيدٍ وَ قُضِيَ لَهُ حَوَائِجُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ^{۵۸}) یا در اعتکاف و دفن اموات در حرم ها حتی حرم اهل بیت ویژگی و آثار خود را دارد که نیاز به تحقیق و پژوهش دارد

آسیب اعتکاف در غیر مسجد: چنانچه در بعضی از ادیان و مذاهب مرسوم است سبب عجب، انحراف و خود برتر بینی و دیکتاتوری دینی می شود. اعتدال فکری انسان را آسیب پذیر و کناره گیری از جامعه را که لازمه انس و انسانیت است را خدشه دار می کند

خاطرات اعتکاف

^{۵۷}. بحار الأنوار ج ۸۳ ص ۳۷۲

^{۵۸}. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۱۰۰؛ ص ۱۹۵

بعضی گفتند و ما نوشتیم ..

- تاکنون این قدر با محیط مسجد انس نگرفته بودم ولی حالا ، دل کندن بعد از سه روز از مسجد برایم مشکل است.
- فهمیدم که روحانی با عملش بیش از علمش استفاده می‌رساند.
- همسایه‌های مسجد خیلی برای ما زحمت کشیدند.
- نمی‌دانم چطور اهل مسجد شدم، هرچه فکر می‌کنم جز لطف و دعوت خدا نبوده است.
- احساس می‌کردم سه روز بی‌گناه بودم، آن هم در اعتکاف.
- واقعاً مسجد سنگر خوبی است برای گناه نکردن.
- شبها که می‌خوابیدم با آجرها و در و دیوار مسجد حرف می‌زدم.
- مسجد را شاهد گرفتم برای روز قیامت خودم.
- باور نمی‌کردم خدا مرا به خانه خود راه دهد.
- «تفرّجوا فی المساجد» را با پوست و گوشت خود حس می‌کردم.
- امام مسجد ما در ایام اعتکاف زودتر از همیشه می‌آمد دیرتر می‌رفت و نظارت خوبی داشت.
- احساس می‌کردم امام جماعت پدرم است.
- اعتکاف در مسجد انسان را اجتماعی و با محبت تربیت می‌کند .
- می‌گویند اعتکاف در اسلام سه روز است و در ادیان دیگر ۴۰ روز و ۴۰ هفته و ۴۰ ماه بوده است.
- خیلی از حرف‌هایی که به دیگران نمی‌زدم را با امام جماعت زدم.
- حضور در مسجد باعث شد کمتر گناه کنم کمتر پشیمان شوم چون پشیمانی زیاد اراده را سست می‌کند.
- ترک گناه عجیب اراده‌ای به انسان می‌دهد.
- خدا حافظی معتکفین در روز آخر خیلی دیدنی بود، مثل اینکه سالها کنار هم و باهم بوده‌اند.
- حضور معلمین عزیزمان در اعتکاف برایمان خیلی جالب بود.
- قرآن خواندن در مسجد با غیر مسجد خیلی فرق می‌کند، واقعاً مسجد دارالقرآن است .
- در حین قرأت قرآن ناگهان متوجه شدم خواندن قرآن در شب با روز فرق می‌کند، پرسیدم، گفتند: برای اینکه قرآن در شب نازل شده است.
- خادم و مهمان خدا شدن مرا واداشت تمام عمر خادم مسجد و دین (طلبه) شوم.

- با اینکه در این ایام کار نمی‌کردیم ولی روزی خوبی داشتیم.
- با اینکه روزه بودیم ولی کمتر گرسنگی کشیدیم.
- افطار و سحر خوردن در مسجد خیلی دلچسب و گوارا بود.
- برایم سؤال بود که روزه در اعتکاف چه نقشی دارد، فهمیدم روزه طهارت روح است، همچنان که وضو طهارت جسم است.
- هر چه فکر کردم چگونه معتکف شدم به جایی نرسیدم، فهمیدم خدا مرا به خانه خود دعوت کرده است.
- خوابیدن در مسجد آرامش بیشتری می‌داد.
- بعضی خوابیدن را بهانه فکر کردن می‌کردند، چون خواب نبودند.
- همیشه احساس می‌کردم در سنگری هستم که هیچگونه آسیبی به من نمی‌رسد و خیالم راحت بود.
- تصمیم گرفتم هر ماه یک روز خادم افتخاری مسجد شوم، چون بهترین خدمت به خلق و خالق بود.
- زمزمه و ذکر و دعا و قرآن گوش نواز بود و انسان را آرام می‌کرد.
- ای کاش در مساجد ما بلندگو نبود، چون بعضی وقت‌ها گوش خراش بود.
- به قصد ماندن در مسجد وارد شدن با قصد بیرون آمدن وارد شدن بسیار فرق می‌کند.
- احساس کردم در مسجد از شیطان و افکار شیطانی خبری نیست و بسیار از این جهت احساس آرامش کردم و فهمیدم جدایی از مسجد ما را به دام شیطان می‌اندازد.
- رفیق مسجدی با غیر مسجدی خیلی فرق دارد.
- ملاقات در مسجد با ملاقات در غیر مسجد خیلی فرق می‌کند.
- ای کاش جای جای زمین مسجد بود و رفتن به مسجد آسان بود.
- شنیدم بودم منتظر جماعت شدن ثواب دارد ولی لذت آن را نچشیده بودم.
- گاهی احساس می‌کردم دعاها و سخنرانی‌ها ما را از سخن دل باز می‌دارد.
- شنیده بودم در مسجد پیامبر مردم گروه می‌شدند و هر کسی در گروهی که می‌خواست شرکت می‌کرد، دیدن این گروه‌ها خیلی جالب بود.
- احساس کردم که بحث سیاسی در مسجد خیلی کنترل شده و حساب شده است.
- سه روز وقت پیدا کردم تا در انتخاب همسر و همکار و هم‌سفر فکر کنم.
- روز آخر اعتکاف دیدم یک نفر برنامه ۳۰ سال آینده خودش را نوشته است، به فکر رفتم که چرا من نکردم.

- درحالیکه جمعی بودیم اما هرکس برای خودش حالی داشت
- همه برنامه‌های مسجد مقدمه نماز جماعت بود و انگار از صبح آماده نماز ظهر می‌شدیم.
- اطعام و اکرام مردم در افطار و سحری به نحوی بود که دوست داشتم من بانی می‌شدم.
- چند نفر از معتکفین در حال اعتکاف تجهیزات مسجد را منظم و غبار رویی و نظافت و عطر افشانی می‌کردند و این ما را به یاد شعر موسی و شبان انداخت که حقیقتاً می‌شود با خدمت به مسجد خدا را خوشحال و راضی کرد.
- معنی درست مسجدی را فهمیدم و فهمیدم بهترین جا برای انتخاب کردن دوست، مسجد است.
- شنیده بودم یک رکعت نماز در مسجد به اندازه چهل سال است باور نمی‌کردم باورم شد
- بعد از نماز ظهر احساس کردم سه زمانه عبادت می‌کنم، حضور در نماز جماعت مسجد، روزه و اعتکاف، لذا در پوست خود نمی‌گنجم.
- مدتی که در مسجد مطالعه می‌کردم تأثیر عجیبی داشت.
- کتاب‌های درسی را به مسجد برده بودم تا ضمن مطالعه از خداوند برکت علم و درس بطلبم.
- با این‌که نمی‌خندیدیم ولی خیلی خوش حالت بودیم حُسن عجیبی ست در این اعتکاف اعتکف یعتکف اعتکاف
- نمی‌دانم چرا همه به ما می‌گفتند التماس دعا، انگار ما مقرب شده بودیم، ولی از خودم خجالت می‌کشیدم.
- هرچه فکرکردم دیدم خداوند نعمت‌هایی به ما داده که مخصوص خود ماست و برای دیگران نیست.
- مادرم برایم تدارکاتی جور کرده بود که احساس کردم باقیه کارهایش که برایم انجام داده فرق می‌کند.
- خیلی غذا خوردیم، ولی غذای مسجد عطر و طعم دیگری داشت.
- هروقت از خانه خارج می‌شدم پدر و مادر نگران بودند ولی به مسجد که رفتم احساس کردم راضی هستند.
- هیچ‌وقت پدرم را اینگونه ندیده بودم، بعد از اعتکاف نگاه معنی‌داری به من کرد، احساس کردم از من راضی است.
- بعد از افطار بعضی‌ها نذری شیرینی و میوه می‌آوردند و با حالی به اهل مسجد تعارف می‌کردند که دلپذیر بود.
- حضور طلبه‌ها در اعتکاف زیاد بود.
- ای کاش پول می‌داشتم و هزاران نفر را اجیر می‌کردم تا هر روز یکی از آنها به جای من معتکف شوند.
- تصمیم گرفتم به خادم مسجد بگویم ماهی یک روز از طرف من نیت کند و من حق الزحمه او را بپردازم.
- خوش به حال خدایم که سال‌ها در مسجد بدون چشم‌داشت شبانه‌روز بدون تعطیلی و مرخصی افتخار خادمی دارند.
- خدمت به اهل مسجد خدمت به مسجد است چون انسان احساس می‌کند در مهمان‌خانه خدا میزبان است.

- بعضی به جای دعا و نماز و قرآن مرتباً مشغول جابجایی و تنظیم تجهیزات مسجد بودند.
- شنیدم برای کسی که حمد و سوره غلط می خواند یا شکاک است، حضور در جماعت واجب است تا نمازش را صحیح و بدون شک بخواند.
- فرصتی پیدا کردم بعد از سالها حمد و سوره ام را درست کنم.
- چقدر شنیدن سخن در مسجد با غیر مسجد فرق دارد، هرکه هرچه می گفت انسان باور می کرد چون احساس می کرد غرض و مرضی در کار نیست.
- حدیثی بر دیوار مسجد خواندم و در این چند روز به معنی آن فکر می کردم، جانا سخن از زبان ما می گویی؛ نوشته بود: «من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان».
- تا حدیث «الغفلة ترکک المسجد» را دیدم خدا را شکر کردم که در مسجد حضور دارم و افسوس خوردم سالها غافل بوده ام.
- تا در مسجد بودیم احساس می کردیم رو به قبله ایم با اینکه بعضی وقتها رو به قبله هم نبودیم.
- در اعتکاف بیشتر به یاد حج و عمره می افتادم چون شنیده بودم معتکف بهتر است محرمات احرام را ترک کند.
- جوانی در مسجد دیدم که آنقدر حال خوبی داشت که من افسوس می خورم چرا من آنگونه نیستم (با اینکه هم سن من بود).
- شنیده بودم خوابیدن در مسجد مکروه است ولی فهمیدم خوابیدن در مسجد خیلی وقتها مستحب است.
- خواب در مسجد صفای خاصی دارد و انسان احساس می کند خدا ناظر اوست.
- جدا شدن از رختخواب و خوابیدن در مسجد خواب ما را گوارا و منظم کرده بود.
- افطاری و سحری خوردن در مسجد باعث شده بود «بسم الله» و «الحمد لله» فراموشمان نشود.
- وقتی غذا می دادند آیه «کلّما دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقاً» یاد می افتاد و احساس می کردم غذا از طرف خدا آمده است.
- روز آخر برای خروج عجله داشتم، ناگاه به خود آمدم که با صاحب خانه خدا حافظی نکرده ام. احساس می کردم که این خانه صاحب دارد و شاید دوست داشته باشد من بمانم.
- بعد از سه روز که خارج می شدم احساس می کردم خانه خدا شعور دارد و از رفتن من شاکی است.
- گاهی به گریه می افتادم ولی نمی دانستم چرا گریه می کنم، ولی دوست داشتم اشک بریزم.
- در این سه روز با اینکه تفاوت سنی و فرهنگی زیاد بود، اما مشاجره و مجادله ای نبود.
- ای کاش برنامه ای بود که هر کسی می خواست در هر وقت معتکف شود مشکلی نداشته باشد.

- فکر می‌کردم فقط در ایام البیض می‌شود معتکف شد، بعد فهمیدم هر زمانی می‌شود معتکف شد.
- در احکام دیدم نیابت در اعتکاف پسندیده است، ای کاش از اول می‌دانستم و برای والدین مرحومم معتکف می‌شدم.
- اعتکاف بهترین و ارزان‌ترین و موثرترین نذر هاست.
- به نظرم رسید اگر کسی بخواهد اراده‌اش قوی شود خوب است ۴۰ روز مرتباً به مسجد برود.
- همیشه مسجد می‌رفتم برای نماز، حالا فهمیدم باید مسجد رفت برای مسجد.
- وقتی هم ساکت بودیم احساس می‌کردیم داریم مناجات می‌کنیم.
- هر وقت مسجد آرام می‌شد احساس می‌کردم مسجد با ما حرف می‌زند.
- تصمیم گرفتم برای پیدا کردن همسر مناسب ۴۰ روز مسجد را جارو کشی کنم.
- ای کاش کسانی که به مسوولیت می‌رسند چند روزی در مسجد بمانند تا بفهمند از کجا شروع کنند.
- بعضی‌ها می‌روند در امام‌زاده‌ها خادم افتخاری می‌شوند، ای کاش در مسجد خادم افتخاری می‌شدند.
- همیشه با وضو بودیم.
- چون روزه بودیم، در مسجد بودن مفهوم و شیرینی دیگری داشت.
- مانده بودم چگونه ۹۰ ساله‌ها با ده ساله‌ها با هم زندگی می‌کردند.
- بعد از اعتکاف احساس می‌کردم از حج برگشته‌ام.
- بعد از اعتکاف مثل اینکه زندگی جدیدی را شروع کرده‌ام.
- شنیده بودم «من اعتکف غفر الله له» هر کس اعتکاف کند گناهانش بخشیده می‌شود، ولی احساس نکرده بودم.
- روز اول فکر کردم نباید از مسجد خارج می‌شدم، ولی روز آخر نمی‌خواستم خارج شوم.
- بعضی‌ها کم غذا می‌خوردند که کمتر نیاز به بیرون رفتن از مسجد داشته باشند.
- یکی از خانم‌هایی که با هم اعتکاف کرده بودیم تازه عروسی بود ه به همراه همسرش برای رضای خدا معتکف شده بودند تا شروع زندگی را اینچنین بگذرانند.
- احساسم این بود که بهترین شکر خداوند حضور در خانه‌اش است و نیازی به ذکر و دعا نیست.
- زمانی که با دوستان چند صفحه قرآن می‌خواندیم لذت عجیبی داشت.
- نمی‌دانستیم اعتکاف فقط ماندن در مسجد به شرط روزه است، فکر می‌کردیم اعمال زیادی دارد.
- فهمیدم که بدون اعمال ام داوود هم می‌شود معتکف شد، بعضی گفته بودند این اعمال جزء اعتکاف است.

- با اینکه همیشه کنار پدر و مادرم هستم، ولی کنار آنها بودن در اعتکاف لطف دیگری داشت.
- هنوز با طلبه‌ها و روحانی زندگی نکرده بودم، فهمیدم که طلبگی شیرینی خاصی دارد.
- با سه روزه غیبت من در جامعه دنیا عوض نشد اما من خیلی عوض شدم.
- اردویی بود سه روزه، کم هزینه، بدون خطر سفر که در آفاق و انفس سیر کردیم.
- بهترین تمرین برای حضور و مسجدی شدن بود.
- نمی‌دانستم مهمانی خدا چقدر زیباست، ولی لیاقت می‌خواهد.
- با خود عهد بستم که از این پس روزی یک وعده به مسجد بیایم.
- به نظر من هرکه با مسجد الفت بگیرد با خدا الفت گرفته است.
- تازه فهمیدم که هیچ مکانی مسجد نمی‌شود و هیچ رفیقی رفیق مسجدی نمی‌شود.
- برخوردها خیلی جالب و دوست داشتنی و از روی تواضع بود.
- احساس کردم خادمان اعتکاف به ما بعنوان میهمان می‌نگرند.
- فکر می‌کردم در این سه روز همه خسته شوند، ولی روز آخر از روز اول باحال‌تر بودند.
- سکوت و تفکر بعضی‌ها انسان را به فکر کردن تشویق می‌کرد.
- سه روز در مسجد به اندازه سی سال جلو افتادم.
- قبل از اعتکاف دلهره عجیبی داشتم، ولی در لحظات اولیه احساس کردم با همه خودی و رفیق هستم.
- برای اولین بار بود از زندگی جدا شدم ولی احساس کردم فقط این سه روز زندگی کردم.
- بعضی آمده بودند معتکفین را تماشا کنند، اما به حال خوش ما غبطه می‌خوردند.
- در تابلو مسجد نوشته بود «اعتکاف، حج فقرا»، تعجب کردم، پرسیدم، گفتند کسی که اعتکاف به جا می‌آورد مثل اینکه عمره بجا آورده است.
- در این ایام موفق شدم تعداد زیادی نماز قضا بخوانم.
- بحث‌ها و مشاوره‌های خوبی داشتیم.
- وقتی می‌خواستم معتکف شوم خانمم ناراضی بود ولی بعد التماس دعا می‌گفت.
- چنان مسجد مرا جذب خود کرده که احساس می‌کنم هیچ‌کس جز خدا ندارم.
- حیف که دیر شروع شد و زود تمام شد.

- اگر خجالت نمی‌کشیدم تنهایی روزهای دیگر معتکف می‌شدم.
- ای کاش شب‌ها درب مساجد باز بود و انسان مخفیانه در آنجا حضور می‌یافت.
- من فکر می‌کردم مسجد فقط برای نماز است.
- نمی‌دانستم حتی نماز فردی در مسجد ثواب ۴۰ سال عبادت در خانه دارد.
- روحانیون با هم باصفا تر و صمیمی و خیلی با هم راحت هستند و صریح.
- انسان در مسجد همانند پرنده در آسمان می‌تواند اوج بگیرد و در غیر مسجد مثل اینکه در قفسی است.
- در مدت اعتکاف هر وقت می‌خوابیدیم خروپف داشتم ولی کسی مرا بیدار نکرد.
- در مسجد احادیث مسجد را مطالعه کردم و خیلی لذت بردم.
- چرا از مسجد و حضور در آن در صدا و سیما سخنی گفته نمی‌شود.
- توانستم بت‌هایی که برای خود تصور می‌کردم همه را از دلم بیرون کنم.
- حضور نوجوانان در صف اول جماعت جالب بود.
- چرا روز آخر از ما خاطره خواستید، ای کاش قبلاً می‌دانستیم تا فرصت بهتری پیدا کنیم.
- در مسجد ما هر کس چند دقیقه در موضوعی صحبت می‌کرد با اینکه متفاوت بود، ولی خیلی جالب بود.
- آیا می‌شود در حال اعتکاف عقد ازدواج خواند؟
- آیا می‌توانیم در حال اعتکاف به بیرون زنگ بزنیم؟
- خوب است قبلاً اطلاع دهند که همراه (موبایل) خود را به همراه نیاورند تا مزاحمتی برای کسی پیش نیاید.
- در فکر بودم با چند نفر از دوستانی که پیدا کردم در اعتکاف متعهد شویم هر هفته مسجد را نظافت کنیم.
- جای خانم‌ها مناسب نبود.
- نظم خانم‌ها بیش از مردان بود.
- سر و صدای مردها بیش از خانم‌ها بود.
- افراد زیادی بودند که در مورد یکدیگر شناختی نداشتند ولی بین آنها صفا و صمیمیت و گرمی خاصی وجود داشت که این خودش برایم خاطره است.
- دیدن پسرهایی که به سن ۱۵ سالگی رسیده بودند، جشن تکلیف گرفته بودند و همه در صف نماز جماعت شرکت کرده بودند و همچنین یکپارچگی بزرگ‌ترها و کوچک‌ترها جالب و زیبا بود.

➤ خانم: سال اولی که به اعتکاف رفتم از خداوند تقاضای فرزند کردم، دقیقاً در سال بعد در وقت اعتکاف بچه‌ام به دنیا آمد و سال دیگر با دختر یک‌ساله‌ام به اعتکاف رفتم. در حالی که به فرزند دیگری حامله بودم و فرزندم ۴ ماهه بود. سال سوم که به اعتکاف رفتم با دو بچه‌ام به اعتکاف رفتم. واقعاً من این بچه‌ها را از اعتکاف گرفتم و الآن بچه‌هایم ۲ و ۳ ساله هستند.

➤ قول می‌دهم روزی یک مرتبه به مسجد بیایم

فرق است بین شنیدن و دیدن و نوشتن



آیات اعتکاف

آیاتی که مفهوم اعتکاف دارند:

وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَ عَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ^{۵۹}

ثُمَّ أَمُومَا الصِّيَامِ إِلَى اللَّيْلِ وَ لَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ^{۶۰}

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^{۶۱}

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَن مِنْهُمْ قَسِيصِينَ وَ زُهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ^{۶۲}

وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ^{۶۳}

^{۵۹} - البقرة / ۱۲۵

^{۶۰} - البقرة / ۱۸۷

^{۶۱} - آل عمران / ۳۵

^{۶۲} - المائدة : ۸۲

^{۶۳} - الأعراف / ۱۳۸

وَإِذْ نَادَىٰ مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ^{٦٤}

مرحوم ابن ادريس معتقد است که حضرت موسی (علیه السلام) در مدّت چهل روزی که برای گرفتن کتاب آسمانی به کوه طور عزیمت کرده بود، روزه گرفته، و در حال اعتکاف بود.^{٦٥}

اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ^{٦٦}
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ^{٦٧}

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ^{٦٨}. السَّائِحُ: الصَّائِمُ الْمَلَاذِمُ لِلْمَسَاجِدِ^{٦٩}. فَسَيُحَوُّوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ^{٧٠}

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ^{٧١}

(علاوه بر اسکان هاجر و اسماعیل تا ابد در کنار کعبه (مسجد الحرام) بودند).

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا * فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا * نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى * وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا * هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ

٦٤ - الأعراف / ١٤٢

٦٥ - بحار الانوار، ج ٨٦، ص ٣٨.

٦٦ - التوبة / ٣١

٦٧ - التوبة / ٣٤

٦٨ - التوبة / ١١٢

٦٩ - تاج العروس من جواهر القاموس، ج ٤، ص: ٩٨

٧٠ تویه، ٢

٧١ - إبراهيم / ٣٧

بَيْنَ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا * وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرفَقًا * وَ تَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَتَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ هُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا * وَ تَحْسَبُهُمْ آيَاتِنَا ظُورًا وَ هُمْ رُقُودٌ وَ نَقْلُجُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَ ذَاتَ الشَّمَالِ وَ كَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَ لَمَلَّيْتَ مِنْهُمْ رُعبًا * وَ كَذَلِكَ بَعَثْنَا لِمَتَانِ لِقَاءَ قَائِلٍ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمِ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَ لِيَتَلَطَّفَ وَ لَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا * إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَ لَنْ تَفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا^{٧٢}

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَّتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا^{٧٣}

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى^{٧٤}

قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنْحَرِقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا^{٧٥}

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^{٧٦}

سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَ الْبَادِ^{٧٧}

وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ^{٧٨}

وَ الَّذِينَ يَبْتَئُونَ لِرَبِّهِمْ سُجْدًا وَ قِيَامًا^{٧٩}

موسى

٧٢ - كهف / ١٠ - ٢٠

٧٣ - مريم / ١٦

٧٤ - طه / ٩١

٧٥ - طه / ٩٧

٧٦ - انبيا / ٥٢

٧٧ - حج / ٢٥

٧٨ - الحج / ٢٦

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَاكِفِينَ^{٨٠}

فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ^{٨١}

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَنِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ^{٨٢}. (حاكى از تندرویی كه لازمه اعتكاف و معنویت و عرفان است)

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا^{٨٣}

احادیث اعتكاف

١. احادیث اعتكاف: عن أمير المؤمنين عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ إِلَى أَنْ قَالَ حَتَّى إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنَ الْعَشْرِ قَامَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ وَشَمَّرَ وَشَدَّ الْمُمْتَزِرَ وَبَرَزَ مِنْ بَيْتِهِ وَاعْتَكَفَ وَ أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ وَكَانَ يَغْتَسِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ الْحَدِيث. بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ٧٨؛ ص ١٨
٢. البته روایت ذیل باید بررسی شود: عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْخَارِقِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ مَسَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَطْلُبُ بِذَلِكَ مَا عِنْدَ اللَّهِ حَتَّى تُقْضَى لَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَتَيْنِ وَ صَوْمِ شَهْرَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ وَ اعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَنْ مَسَى فِيهَا بِنِيَّةٍ وَ لَمْ يُقْضَ كَتَبَ اللَّهُ بِذَلِكَ لَهُ مِثْلَ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ فَارْغَبُوا بِالْخَيْرِ . -
٣. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَاجْتَهَدَ فِيهَا فَاجْرَى اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قِضَاءَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً وَ اعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامَهُمَا فَإِنْ اجْتَهَدَ فِيهَا وَ لَمْ يُجْرِ اللَّهُ قِضَاءَهَا عَلَى يَدَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٧١، ص: ٣٣٤

٧٩ - الفرقان / ٤٦

٨٠ - الشعراء / ٧١

٨١ - القصص / ٢٩

٨٢ - الحديد / ٢٧

٨٣ - فتح / ٢٥

٤. امام صادق عليه السلام از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله: «اعتكاف العشر الاخر من شهر رمضان يعدل حجتين و عمرتين»^{٨٤} فضيلت اعتكاف مطابق دوحج و دو عمره است.

٥. امام سجاده عليه السلام: ان المعتكف لا يبيع ولا يشتري
اعتكاف ماه شوال پیامبر بررسی شود:

٦. حَدَّثَنِي زِيَادُ عَنْ مَالِكِ عَنْ ابْنِ شِهَابٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرَادَ أَنْ يَعْتَكِفَ فَلَمَّا انْصَرَفَ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَرَادَ أَنْ يَعْتَكِفَ فِيهِ وَجَدَ أُخِيَّةَ خِبَاءٍ عَائِشَةَ وَخِبَاءَ حَفْصَةَ وَخِبَاءَ زَيْنَبَ فَلَمَّا رَأَاهَا سَأَلَ عَنْهَا فَقِيلَ لَهُ هَذَا خِبَاءُ عَائِشَةَ وَحَفْصَةَ وَزَيْنَبَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَبْرَ تَقُولُونَ بِهِنَّ ثُمَّ انْصَرَفَ فَلَمْ يَعْتَكِفْ حَتَّى اعْتَكَفَ عَشْرًا مِنْ شَوَّالٍ. موطأ ج ٣ ص ٤٥٤

٧. و سُئِلَ مَالِكٌ عَنْ رَجُلٍ دَخَلَ الْمَسْجِدَ لِعُكُوفٍ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ فَأَقَامَ يَوْمًا أَوْ يَوْمَيْنِ ثُمَّ مَرِضَ فَخَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ أَيْحِبُّ عَلَيْهِ أَنْ يَعْتَكِفَ مَا بَقِيَ مِنَ الْعَشْرِ إِذَا صَحَّ أَمْ لَا يَجِبُ ذَلِكَ عَلَيْهِ وَفِي أَيِّ شَهْرٍ يَعْتَكِفُ إِنْ وَجَبَ عَلَيْهِ ذَلِكَ فَقَالَ مَالِكٌ يَقْضِي مَا وَجَبَ عَلَيْهِ مِنْ عُكُوفٍ إِذَا صَحَّ فِي رَمَضَانَ أَوْ غَيْرِهِ وَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرَادَ الْعُكُوفَ فِي رَمَضَانَ ثُمَّ رَجَعَ فَلَمْ يَعْتَكِفْ حَتَّى إِذَا ذَهَبَ رَمَضَانُ اعْتَكَفَ عَشْرًا مِنْ شَوَّالٍ موطأ ج ٣ ص ٤٥٥

٨. إِنَّهُ (صلى الله عليه وآله) قَامَ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَتَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ! قَدْ كَفَأَكُمْ اللَّهُ عَدْوَكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَ وَعَدَّكُمْ الْإِجَابَةَ فَقَالَ: (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) أَلَا وَ قَدْ وَكَّلَ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ سَبْعَةَ أَمْلاكٍ، فَلَيْسَ بِمَحْلُولٍ حَتَّى يُنْقِضِي شَهْرَكُمْ هَذَا، أَلَا وَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ مُفْتَتِحَةٌ مِنْ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ، أَلَا وَ الدُّعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ» ثُمَّ شَمَّرَ (صلى الله عليه وآله) وَ شَدَّ مِئْزَرَهُ وَ بَرَزَ مِنْ بَيْتِهِ وَ اعْتَكَفَهُنَّ وَ أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ وَ كَانَ يَغْتَسِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ. مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٥٦٠ و ٥٥٩.

٩. اِعْتِكَافُ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمَرَتَيْنِ. مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٥٥٩.

١٠. وَ فِي رِوَايَةِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اِعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمَرَتَيْنِ. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص:

١٨٨

١١. وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِامْرَأَةٍ أَرَادَتْ زِيَارَةَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ: مَا أَعْجَبَكُمْ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ تَأْتُونَ الشُّهَدَاءَ مِنْ سَفَرٍ بَعِيدٍ وَ تَتَرَكُونَ سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَتْ: إِنِّي امْرَأَةٌ، قَالَ: لَا بَأْسَ بِمَنْ كَانَ مِثْلِكَ أَنْ تَذْهَبَ إِلَيْهِ وَ تَزُورَهُ، قَالَتْ: أَيُّ شَيْءٍ لَنَا فِي زِيَارَتِهِ؟ قَالَ: كَعْدَلِ حِجَّةٍ وَ عُمَرَةٍ، وَ اِعْتِكَافِ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامِهَا، وَ خَيْرٍ مِنْهُمَا. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ٥، ص: ٤٧٨

١٢. عُمَرَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حِجَّةً، وَ اِعْتِكَافُ لَيْلَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حِجَّةً، وَ اِعْتِكَافُ لَيْلَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) وَ عِنْدَ قَبْرِ يَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمَرَةً، وَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) يَعْتَكِفُ عِنْدَهُ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَكَأَنَّمَا اِعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَ مَنْ اِعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) كَانَ ذَلِكَ أَفْضَلَ لَهُ مِنْ حِجَّةٍ وَ عُمَرَةٍ بَعْدَ حِجَّةِ الْإِسْلَامِ؛ اقبال الاعمال، ج ١، ص ٣٥٩.

^{٨٤} بحار الانوار، ج ٩٧، ص ١٢٩

١٣. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ اغْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرٍ وَشَمْرَ الْمُنْزَرِ «(٣)» وَطَوَى فِرَاشَهُ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ وَاعْتَرَلَ النَّسَاءَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَمَا اعْتَرَلَ النَّسَاءَ فَلَا.
الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٥
١٤. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوَسْطَى ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّلَاثَةِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ.
الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٥
١٥. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا تَقُولُ فِي الْإِعْتِكَافِ بَعْدَ مَا فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا فَقَالَ لَا اعْتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدَلَ بِصَلَاةِ جَمَاعَةٍ وَ لَا بَأْسَ أَنْ يُعْتَكِفَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ الْبَصْرَةِ وَ مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ مَسْجِدِ مَكَّةَ.
الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٦ - قَالَ وَ قَدْ رُوِيَ فِي مَسْجِدِ الْمَدَائِنِ. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٤٠
١٦. وَ ثُقُلَ عَنِ ابْنِ الْجُبَيْدِ أَنَّهُ قَالَ رَوَى ابْنُ سَعِيدٍ يَعْني الْحُسَيْنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جَوَّازَ الْإِعْتِكَافِ فِي كُلِّ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدَلَ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ جَمَاعَةً وَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي تُصَلِّي فِيهِ الْجُمُعَةَ بِإِمَامٍ وَ حُطْبَةٍ. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٤٢
١٧. الْحَسَنُ بْنُ الْمُطَهَّرِ الْعَلَامَةَ فِي الْمُتَنَهَى ثَقُلًا مِنْ جَامِعِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا اعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ وَ فِي الْمَضْرِبِ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٤١
١٨. قَالَ الصَّدُوقُ وَ قَدْ رُوِيَ أَنَّهُ إِنْ جَامَعَ بِاللَّيْلِ فَعَلَيْهِ كَفَّارَةٌ وَاحِدَةٌ وَ إِنْ جَامَعَ بِالنَّهَارِ فَعَلَيْهِ كَفَّارَتَانِ. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٤٧
١٩. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ وَطِئَ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ مُعْتَكِفٌ لَيْلًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ قَالَ قُلْتُ: فَإِنْ وَطِئَهَا نَهَارًا قَالَ عَلَيْهِ كَفَّارَتَانِ. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٤٧
٢٠. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُعْتَكِفٍ وَاقِعَ أَهْلَهُ قَالَ عَلَيْهِ مَا عَلَى الَّذِي أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا عَتَقَ رَقَبَةً أَوْ صِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ إِطْعَمَ سِتِّينَ مَسْكِينًا. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٤٧
٢١. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي تَوَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ عَبَادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ النَّيْسَابُورِيِّ «(٢)» عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ اللَّهُ لَقَضَاءُ حَاجَتِهِ يَعْني الْأَخَ الْمُؤْمِنَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَاعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٥٦
٢٢. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يُصَلِّي فِي أَيِّ بَيْوتِهَا شَاءَ سِوَاءَ عَلَيْهِ صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ أَوْ فِي بَيْوتِهَا إِلَى أَنْ قَالَ وَ لَا يُصَلِّي الْمُعْتَكِفُ فِي بَيْتِ غَيْرِ الْمَسْجِدِ الَّذِي اعْتَكَفَ فِيهِ إِلَّا بِمَكَّةَ - فَإِنَّهُ يَعْتَكِفُ بِمَكَّةَ حَيْثُ شَاءَ لِأَنَّهَا كُلُّهَا حَرَمُ اللَّهِ الْحَدِيثِ. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٥٢
٢٣. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ اشْتَرَطُ عَلَى رَبِّكَ فِي اعْتِكَافِكَ كَمَا تَشْتَرِطُ فِي إِحْرَامِكَ (أَنْ يَحُلَّكَ مِنْ اعْتِكَافِكَ) «(٤)» - عِنْدَ عَارِضٍ إِنْ عَرَضَ لَكَ مِنْ عِلَّةٍ تَنْزِلُ بِكَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٥٣
٢٤. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا اعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ.
الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٦
٢٥. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا اعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ.
الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٦

٢٦. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ فِي الْمَسْجِدِ الْجَامِعِ. الكافي (ط) - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٦

٢٧. لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. الاستبصار، ج ٢، ص ١٢٧.

٢٨. من اراد ان يعتكف فليعتكف في العشر الاواخر. تذكرة الفقهاء، جلد ١، صفحہ ٢٨٤

٢٩. سنل عن الاعتكاف في رمضان في العشر الاواخر؟ قال: ان علياً (عليه السلام) كان يقول: لا ارى الاعتكاف الا في المسجد الحرام او في مسجد الرسول او في مسجد جامع. وسائل الشيعه، ج ٧، ص ٤٠١.

٣٠. امام على عليه السلام فرمودند: يَلْزَمُ الْمُعْتَكِفُ الْمَسْجِدَ وَيَلْزَمُ ذِكْرَ اللَّهِ وَالتَّوَلَّاهُ وَ الصَّلَاةَ؛ مستدرک الوسائل / ج ٧ / ص ٥٦٤

٣١. امام صادق عليه السلام فرمودند: كانت بدر في شهر رمضان فلم يعتكف رسول الله (ص) فلما أن كان من قابل اعتكف عشرين عشراً لعامه و عشراً قضاءً لما فاتته؛ الكافي / ج ٤ / ص ١٧٥

٣٢. امام صادق عليه السلام فرمودند: يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ إِذَا اِعْتَكَفَ أَنْ يَشْتَرِطَ كَمَا يَشْتَرِطُ الَّذِي يُحْرِمُ؛ الكافي / ج ٤ / ص ١٧٧

٣٣. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: لِمُعْتَكِفٍ يَعْكِفُ الدُّنُوبَ وَيَجْرِي لَهُ مِنَ الْأَجْرِ عَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا؛ كنز العمال / ج ٨ / ص ٥٣١

٣٤. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ اِعْتَكَفَ يَوْمًا ابْتِغَاءً وَجِهَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَةَ خَنَادِقٍ؛ كنز العمال / ج ٨ / ص ٥٣٢

٣٥. امام باقر عليه السلام فرمودند: الْمُعْتَكِفُ ... لَا يُمَارِي وَلَا يَشْتَرِي وَلَا يَبِيعُ؛ من لا يحضره الفقيه / ج ٢ / ص ١٨٦

٣٦. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الْمُعْتَكِفُ لَا يَشْتُمُ الطَّيِّبَ وَلَا يَتَلَدُّ بِالزَّيْحَانِ وَلَا يُمَارِي وَلَا يَشْتَرِي وَلَا يَبِيعُ قَالَ وَ مَنْ اِعْتَكَفَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَهُوَ يَوْمَ الرَّابِعِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ زَادَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ وَإِنْ شَاءَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَمِيزَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٨

٣٧. امام صادق عليه السلام فرمودند: لا يكون اعتكاف إلا في مسجد جماعه؛ التهذيب / ج ٤ / ص ٢٩٠

٣٨. وَ فِي كِتَابِ الْمُفْتَعِ قَالَ زُوَيْ لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدٍ تُصَلِّي فِيهِ الْجُمُعَةَ بِإِمَامٍ وَ حُطْبَةٍ. وسائل الشيعه، ج ١٠، ص: ٥٣٨

٣٩. مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْمُفْتَعِ قَالَ رُوِيَ أَنَّهُ لَا يَكُونُ الْاِعْتِكَافُ إِلَّا فِي مَسْجِدٍ جَمَعَ «٢» فِيهِ نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٌّ قَالَ وَ هِيَ أَرْبَعَةُ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ جَمَعَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص - وَ مَسْجِدَ الْمَدِينَةِ جَمَعَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص - وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدَ الْبَصْرَةِ جَمَعَ فِيهِمَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع. وسائل الشيعه، ج ١٠، ص: ٥٤٢

٤٠. وَ تَقَالُ الْعَلَامَةُ فِي الْمُخْتَلَفِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَقِيلٍ أَنَّهُ قَالَ: الْاِعْتِكَافُ عِنْدَ آلِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَا يَكُونُ إِلَّا فِي الْمَسَاجِدِ وَ أَفْضَلُ الْاِعْتِكَافِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ص - وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ سَائِرِ الْأَمْصَارِ مَسَاجِدِ الْجَمَاعَاتِ. وسائل الشيعه، ج ١٠، ص: ٥٤٢

٤١. سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سَرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْعَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا

صَلَاوْتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ لَا أَرَى الْاِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ مَسْجِدِ جَامِعٍ وَ لَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرِجَعَ وَ الْمَرْأَةُ مِثْلُ ذَلِكَ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٦

٤٢. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُنِّلَ عَنِ الْاِعْتِكَافِ قَالَ لَا يَصْلُحُ الْاِعْتِكَافُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ص أَوْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ أَوْ مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ وَ تَصُومُ مَا دُمْتَ مُعْتَكِفًا. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٦

٤٣. عِدَّةٌ مِنَ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يُصَلِّي فِي أَيِّ بُيُوتِهَا

شَاءَ سِوَاءَ عَلَيْهِ فِي الْمَسْجِدِ صَلَّى أَوْ فِي بُيُوتِهَا. الكافي / ج ٤ / ص ١٧٧

٤٤. أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُصَوِّرِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يُصَلِّي فِي أَيِّ بُيُوتِهَا

شَاءَ وَ الْمُعْتَكِفُ فِي غَيْرِهِ لَا يُصَلِّي إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي سَمَّاهُ. الكافي / ج ٤ / ص ١٧٧

٤٥. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَهَّابٍ الْهَنْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنِ امْرَأَةٍ كَانَتْ زَوْجَهَا غَائِبًا فَقَدِمَ وَهِيَ مُعْتَكِفَةٌ بِإِذْنِ زَوْجِهَا فَخَرَجَتْ حِينَ بَلَغَهَا قُدُومُهُ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَى بَيْتِهَا فَتَهَيَّأَتْ لِزَوْجِهَا حَتَّى وَقَعَهَا فَقَالَ إِنْ كَانَتْ خَرَجَتْ مِنَ الْمَسْجِدِ قَبْلَ أَنْ تَنْقَضِيَ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ وَلَمْ تَكُنْ اشْتَرَطَتْ فِي اعْتِكَافِهَا فَإِنَّ عَلَيْهَا مَا عَلَى الْمَظَاهِرِ. الكافي / ج ٤ / ص ١٧٧
٤٦. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَكُونُ الْإِعْتِكَافُ أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَمَنْ اعْتَكَفَ صَامًا وَ يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ إِذَا اعْتَكَفَ أَنْ يَشْتَرِطَ كَمَا يَشْتَرِطُ الَّذِي يُحْرَمُ. الكافي / ج ٤ / ص ١٧٧
٤٧. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا اعْتَكَفَ يَوْمًا وَلَمْ يَكُنْ اشْتَرَطَ فَلَهُ أَنْ يَخْرُجَ وَيُفْسَخَ الْإِعْتِكَافُ وَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ وَلَمْ يَكُنْ اشْتَرَطَ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَفْسَخَ اعْتِكَافَهُ حَتَّى يَمُضِيَ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ. الكافي / ج ٤ / ص ١٧٧
٤٨. ٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الْمُعْتَكِفُ لَا يَشْتُمُ الطَّيْبَ وَلَا يَتَلَذَّذُ بِالرَّيْحَانِ وَلَا يِمَارِي وَلَا يَشْتَرِي وَلَا يَبِيعُ قَالَ وَمَنْ اعْتَكَفَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَهُوَ يَوْمَ الرَّابِعِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ زَادَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ وَإِنْ شَاءَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يَمُتَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٨
٤٩. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ قَالَ: بَدَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ فَقَالَ الْإِعْتِكَافُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ يَغْنِي السَّنَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٨
٥٠. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَيْسَ عَلَى الْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا إِلَى الْجُمُعَةِ أَوْ جَنَازَةٍ أَوْ غَائِطٍ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٨
٥١. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ قَالَ: كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَعْتَكِفَ فَمَاذَا أَقُولُ وَمَاذَا أَفْرِضُ عَلَى نَفْسِي فَقَالَ لَا تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا وَلَا تَقْعُدْ تَحْتَ ظِلَالٍ حَتَّى تَعُودَ إِلَى مَجْلِسِكَ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٨
٥٢. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا - ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ وَلَا يَخْرُجَ فِي شَيْءٍ إِلَّا لِجَنَازَةٍ أَوْ يَعُودُ مَرِيضًا وَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ وَاعْتِكَافُ الْمَرْأَةِ مِثْلُ ذَلِكَ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٨
٥٣. مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفُضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا مَرِضَ الْمُعْتَكِفُ وَطَمِثَتِ الْمَرْأَةُ الْمُعْتَكِفَةَ فَإِنَّهُ يَأْتِي بَيْتَهُ ثُمَّ يَعِيدُ إِذَا بَرَأَ وَيَصُومُ. - وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْهُ لَيْسَ عَلَى الْمَرِيضِ ذَلِكَ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٩
٥٤. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْمُعْتَكِفَةِ إِذَا طَمِثَتْ قَالَ تَرْجِعْ إِلَى بَيْتِهَا وَإِذَا طَهَّرْتَ رَجَعَتْ فَقَضَتْ مَا عَلَيْهَا. (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٩
٥٥. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع - عَنِ الْمُعْتَكِفِ يُجَامِعُ أَهْلَهُ قَالَ إِذَا فَعَلَ فَعَلَيْهِ مَا عَلَى الْمَظَاهِرِ. (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٩
٥٦. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْمُعْتَكِفِ وَقَعَ أَهْلُهُ قَالَ هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٩
٥٧. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُعْتَكِفِ يَأْتِي أَهْلَهُ فَقَالَ لَا يَأْتِي امْرَأَتَهُ لَيْلًا وَلَا نَهَارًا وَهُوَ مُعْتَكِفٌ. (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ١٧٩
٥٨. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَنْ اعْتَكَفَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ ؛ كُنْزِ الْعَمَالِ ، ح ٢٤٠٠٧
٥٩. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْفَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ الزُّهْرِيِّ (٣) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: ...صَوْمُ الْإِعْتِكَافِ وَاجِبٌ. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٤، ص: ٨٣

٦٠. وَ رُوِيَ عَنْ مَيْمُونِ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَ فَاتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ فُلَانًا لَهُ عَلَيٌّ مَالٌ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحْبِسَنِي فَقَالَ وَ اللَّهُ مَا عِنْدِي مَالٌ فَأَقْضِي عَنْكَ قَالَ فَكَلَّمَهُ قَالَ فَلَبَسَ عَ نَعْلَهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْسَيْتَ اعْتِكَافَكَ فَقَالَ لَهُ لَمْ أَنْسَ وَ لَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي عَ يُحَدِّثُ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص: ١٩٠

٦١. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَأَجْتَهَدَ فِيهَا فَأَجَزَى اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً وَ اعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامَهُمَا الْحَدِيثَ. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٥٥

٦٢. وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْخَارِقِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ يَقُولُ مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَطْلُبُ بِذَلِكَ مَا عِنْدَ اللَّهِ حَتَّى تَقْضِي لَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ مِثْلَ أَجْرِ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَتَيْنِ وَ صَوْمِ شَهْرَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُزْمِ وَ اعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الْحَدِيثَ. وسائل الشيعة، ج ١٠، ص: ٥٥٥

٦٣. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَ يَقُولُ الْخَلْقُ عِبَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِبَالَ اللَّهِ وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا أَوْ مَشَى مَعَ أَحٍ مُسْلِمٍ فِي حَاجَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ اعْتِكَافِ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. الجعفریات (الأشعنيات)، ص: ١٩٣

٦٤. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ جُلُوسَ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا. مجموعته ورام / ج ٢ / ص ١٢١.

٦٥. وَ عَنْ عَلِيِّ عَ وَ النَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ اعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي بَيْتِ الْحَرَامِ. عدة الداعي و نجاح الساعي، ص: ٧٥

اعتكاف.....	۱
معنای اعتكاف.....	۱
بیمارستان روحی و روانی.....	۵
تاریخ و پیشینه اعتكاف:	۶
اعتكاف در ادیان.....	۷
اعتكاف انبیا.....	۸
اهداف اعتكاف.....	۹
آثار اعتكاف.....	۱۲
مراقبات قبل از اعتكاف.....	۱۴
مراقبات هنگام اعتكاف.....	۱۴
مراقبات بعد از اعتكاف.....	۱۵
خادمان معتكفین:	۱۵
اعتكاف بهترین الگوی مسجد شناسی.....	۱۶
احکام اعتكاف.....	۱۷
انواع اعتكاف.....	۱۹
ویژگی های اعتكاف.....	۲۱
روزه و اعتكاف و ماه مبارک رمضان.....	۲۳
زن و اعتكاف.....	۲۴
اهل و آل مسجد.....	۲۵
فرق اعتكاف با رهبانیت.....	۲۶

.....	۲۶
.....	۲۷
.....	۲۷
.....	۲۸
.....	۳۰
.....	۳۱
.....	۳۲
.....	۳۵
.....	۱۸
.....	۳۹
.....	۳۹
.....	۴۴
.....	۴۴
.....	۵۲
.....	۵۵

